

Socio-Political Rationality from the Perspective of Imam Khamenei¹

Received: 03-05-2021

Accepted: 04-09-2021

Attieh Bohrani***Zahra Foroutani****

(72-108)

At some point after the Islamic Revolution, an intellectual challenge on the subject of rationality was highlighted, based on which Imam Khamenei at various times explained the Islamic concept of rationality and insisted on it. The purpose of this study is to explain the concept of Islamic rationality and the concept and examples of rationality in negative and positive aspects from the perspective of Imam Khamenei. The research method is qualitative and has been done by the content analysis method. The content analyzed is all of Imam Khamenei's statements related to the category of rationality. Findings show that Islamic rationality in the sense of common sense is excellence-oriented and monotheistic. It has a wide scope and is presented in three levels of fundamental, value, and instrumental rationality. The research findings also show that rationality according to Imam Khamenei, in positive aspects, in the sense of correct calculation and analysis based on Islamic teachings, revolution, justice, spirituality, insight and hostility, human and moral values, idealism, reality, foresight and in negative aspects, fear and passivity, compromise, politicking, conservatism and falling short of ideals and values, blindly imitating, creating dependence and trust in the enemy are against rationality. The results of the research show that Imam Khamenei's rationality is transcendent rationality and Islamic monotheism and this rationality is based on spirituality, idealism, and realism.

Keywords: Rationality, Islamic Rationality, The Negative concept of Rationality, The Positive Concept of Rationality, Imam Khamenei.

1. This article is an excerpt from the research project "Comparative Conceptual Studies of Rationality: with Emphasis on Imam Khamenei's Perspective", which was conducted with the support of Payame Noor University and registration number 1400/1/1280 dated 2021/09/06.

* Assistant Professor, Department of Public Administration, Payame Noor University, Tehran, Iran: bohrani468@gmail.com.

** Assistant Professor, Department of Public Administration, Payame Noor University, Tehran, Iran: foroutani.dr@gmail.com



عقلانیت سیاسی-اجتماعی از دیدگاه امام خامنه‌ای داماد*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۱۳

عطیه بحرانی**

دکتر زهرا فروتنی***

(۷۲-۱۰۸)

چکیده

پس از انقلاب اسلامی در چند برهه، چالش فکری درباره موضوع عقلانیت برجسته شد، که براین اساس، امام خامنه‌ای مفهوم عقلانیت را تبیین و بر آن تأکید کردند. هدف این پژوهش تبیین مفهوم عقلانیت اسلامی و مفهوم و مصادیق عقلانیت در وجوه سلبی و ایجابی از منظر امام خامنه‌ای داماد است. روش تحقیق کیفی است، و تحقیق با شیوه تحلیل مضمون انجام شده است. محتوای تحلیل شده همه بیانات امام خامنه‌ای داماد درباره مقوله عقلانیت است. یافته‌ها نشان می‌دهد عقلانیت اسلامی به مفهوم عقل سلیم، تعالی محور و توحیدمحور است، حوزه وسیعی دارد و در سه سطح عقلانیت بنیادین، ارزشی و ابزاری مطرح است. همچنین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که عقلانیت از نظر امام خامنه‌ای داماد در وجوه ایجابی، به مفهوم محاسبه صحیح و کار سنجیده مبتنی بر تعالیم اسلامی، انقلابی، عدالت، معنویت، بصیرت و دشمن شناسی، ارزش‌های انسانی و اخلاقی، آرمان‌گرایی، واقع‌بینی و آینده‌نگری است و در وجوه سلبی، ترس و انفعال، سازش، سیاسی کاری، محافظه کاری و کوتاه آمدن از آرمان‌ها و ارزش‌ها، تقلید کورکورانه، ایجاد وابستگی و اعتماد به دشمن خلاف عقلانیت است. نتایج تحقیق حاکی است که عقلانیت مد نظر امام خامنه‌ای داماد

* این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی «مفهوم پژوهی تطبیقی عقلانیت: با تأکید بر دیدگاه امام خامنه‌ای» است که با حمایت دانشگاه پیام نور و شماره ثبت ۱۴۰۰/۱/۱۲۸۰ مورخ ۱۴۰۰/۶/۱۵ انجام شده است.
** استادیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران: (نویسنده مسئول)، bohrani468@gmail.com
*** استادیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران: foroutani.dr@gmail.com

عقلانیت متعالی و توحیدمحور اسلامی است و این عقلانیت مبتنی بر اخلاق، معنویت، آرمان‌گرایی و واقع‌بینی است.

واژگان کلیدی: عقلانیت، عقلانیت اسلامی، مفهوم سلبی عقلانیت، مفهوم ایجابی عقلانیت، امام خامنه‌ای ع.

مقدمه

در سال‌هایی که نظام سیاسی جهان مبتنی بر رقابت ایدئولوژیک دو قدرت برتر، به دو بلوک شرق و غرب تقسیم شده بود و هر اقدام و فعالیت جهانی در قالب این فضای دوقطبی تحلیل می‌شد، به یک‌باره در ایران، انقلابی نضج گرفت که در قالب این فضای دوقطبی تحلیل‌شدنی نبود و به‌نوعی در بیرون از دایره عقلانیت و منطق جاری قرار می‌گرفت. با گذر زمان، مشخص شد که این حرکت از منطق و عقلانیت دیگری پیروی می‌کند که فهم آن با خرد ایزاری غرب میسر نیست. این منطق به تدریج توانست در عمل با تابوشکنی از «عقل خودبنیاد مدرن»، حرف‌های جدیدی را برای جهانیان به‌ارمغان آورد و از عقلانیتی جدید سخن گوید که بسی فراتر از منطق پیشین بود. انقلاب اسلامی مبتنی بر این اندیشه، تحولی اساسی در حوزه‌های مختلف به‌ویژه در حوزه سیاست ایجاد کرد و توانست بسیاری از نظریه‌ها و تئوری‌های تحلیلی غرب را به چالش کشد و ابطال کند. به‌عبارت‌دیگر، انقلاب اسلامی چه در مرحله شکل‌گیری و چه در مرحله استقرار و تثبیت، با نظریه‌ها و تئوری‌های رایج علوم سیاسی تحلیل‌پذیر نبود. این انقلاب که بر مبانی متفاوتی با نظام رایج شکل گرفته بود، برای تداوم خود و رسیدن به نظام آرمانی و مطلوب، می‌باید به پرسش‌های متعددی پاسخ دهد که در دوران سیطره عقلانیت مدرن و با وجود سلطه همه‌جانبه آن بر عرصه‌های مختلف رسانه، اقتصاد، فرهنگ، سیاست و حتی علم و دانش، کاری بس دشوار به‌نظر می‌رسید. مهم‌ترین آن ترسیم چهره جدیدی از نظام بین‌الملل مبتنی بر عقلانیت و منطق اسلامی و انقلابی بود که می‌توانست منطق و خرد غربی را در سیاست بین‌الملل به‌چالش کشاند و مبتنی بر آن، با بازتعریف مفاهیم اساسی این حوزه از جمله عقلانیت، قدرت و منافع ملی، نظام سیاسی جدیدی را جای‌گزین نظام ظالمانه و یک‌جانبه‌گرای قدرتهای استعماری کند (بی‌نام، ۱۳۸۷: ۱).

پس از انقلاب اسلامی در چند برهه، چالش فکری درباره موضوع عقلانیت برجسته شد که شامل چهار موج اصلی است:

موج نخست به چالش میان جریان انقلابی و جریان لیبرال و در رأس آنها دولت موقت در سال‌های نخستین انقلاب اسلامی بازمی‌گردد که عده‌ای سعی داشتند با قرار دادن عقلانیت در مقابل انقلابیگری، بدون در نظر گرفتن توطئه قدرت‌های بزرگ و در رأس آنها آمریکا در کشور، سیاست مماشات را به‌عنوان عنصر اصلی سیاست عقلانی در پیش گیرند؛ موج دوم مربوط به دهه هفتاد است که مفهوم عقلانیت با محتوایی غیربومی و غربی تعریف، و چنین وانمود شد که اگر جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد در مسیر عقلانیت گام بردارد، باید خود را با دنیای غیر خود (غرب) تطبیق دهد. شعارهایی نظیر تنش‌زدایی در سیاست خارجی و حجم گسترده ورود ادبیات علوم انسانی غربی در این سال‌ها، در راستای همین تلقی خاص از عقلانیت است؛

موج سوم چالش عقلانیت را می‌توان در سال‌های میانی دهه هشتاد جست‌وجو کرد؛ آنجایی که عدالت به‌عنوان شعار اصلی جریان سیاسی حاکم در قوه مجریه معرفی، و در مواقعی میان مفهوم عدالت و عقلانیت چالش ایجاد شد. رهبر انقلاب در آن دوره، خطر عدالت‌منهای عقلانیت را انحراف و اشتباه در تشخیص مصادیق دانستند؛

موج چهارم و متأخر عقلانیت نیز به دهه نود که هم‌اکنون در آن قرار داریم مربوط است. محور عقلانیت در این دوره، تعامل و همراهی با قدرت‌های بزرگ تعریف شده که مصداق بارز آن امضای سند برجام است (موسوی‌نیا، ۱۳۹۹: ۱-۳).

براین اساس، امام خامنه‌ای علیه‌السلام در مقاطع مختلف، مفهوم اسلامی عقلانیت را تبیین کردند و بر آن پای فشردند.

نظر به اهمیت این موضوع، هدف تحقیق حاضر تبیین مفهوم عقلانیت اسلامی از یک سو و تبیین مفهوم و مصادیق عقلانیت در وجوه ایجابی و سلبی از منظر امام خامنه‌ای علیه‌السلام از سوی دیگر است. بررسی در پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که درباره عقلانیت مطالعاتی انجام شده، ولی این مطالعات اغلب برداشت‌ها و تحلیل‌های شخصی است و بر اساس پژوهش علمی و روشمند صورت نگرفته است. لذا با عنایت به اهمیت موضوع و تأکید مکرر رهبر معظم انقلاب اسلامی بر مقوله مهم و چالشی عقلانیت، ضرورت انجام آن احساس می‌شود.

مبانی نظری

عقلانیت

عقلانیت به عنوان پارادایم ارزشی مهم، توجه بسیاری از اندیشمندان را جلب کرده، و موضوع «عقل» در مقوله تمدن از دیرباز مورد توجه تحلیلگران تمدن و فرهنگ بوده است. در دین مبین اسلام، بر تعقل و تفکر و تأمل بسیار تأکید شده و بصیرت و عقلانیت مبنای دعوت و رسالت تمام پیامبران است (رهبر، ۱۳۹۹: ۳).

عقلانیت مجموعه منسجمی از اندیشه‌هاست که در چهارچوب مبانی، اهداف، اصول و راهبردها با یکدیگر پیوند یافته‌اند. این انسجام، هم می‌تواند مراتب مختلفی داشته باشد و هم می‌تواند از منابع معرفتی گوناگون دینی، تجربی، استدلالی، شهودی و حتی خواسته‌های بشری بهره بجوید. اجمالاً عقلانیت عبارت است از مجموعه معیارها و شاخص‌هایی که عقلانی بودن نظر یا عملی را مشخص می‌کند. وجود عقلانیت حاکی از منطقی است که یک سخن یا یک عمل را با معیارهای مشخص توجیه می‌کند (نجفی و غلامی، ۱۳۹۷: ۱۳۰).

در یک دسته‌بندی می‌توان عقلانیت را به دو دسته ابزاری (کارکردی) و ارزشی (جوهری) تقسیم کرد. تعقل ابزاری بدون توجه به اخلاقیات، در پی به‌کارگیری کارآمدترین وسیله برای رسیدن به هر هدفی است، ولی تعقل ارزشی مستلزم ارزیابی وسایل برحسب ارزش‌های انسانی، عدالت، صلح و سعادت انسانی است (الوانی و دانایی‌فرد، ۱۳۸۰: ۲۸۰). در معیارهایی که مبتنی بر تعقل ارزشی هستند، جنبه اخلاقی مقدم بر جنبه‌های کاربردی و مادی است و لزوماً آنچه سودبخش است، نشان‌دهنده تصمیم اصلح نیست. عقلانیت ارزشی و جوهری اهداف اثربخش بلندمدت و غایی را در نظر می‌گیرد، نه اهداف کوتاه‌مدت آنی را. عقلانیت ارزشی به انسان قدرت قضاوت درست می‌بخشد (الوانی، ۱۳۸۹: ۱۹۶).

عقلانیت‌ها، یا برآمده و همسو با معرفت دینی و داده‌های وحیانی هستند که با مدد عقل، عقلانیت دینی را تولید می‌کنند یا معرفت‌های بریده از وحی هستند که عقلانیت خودبنیاد را رقم می‌زنند (لاجوردی و معینی‌پور، ۱۳۹۹: ۵۹-۵۸).

آنچه امروز در مغرب‌زمین به پارادایم مسلط تبدیل شده، عقلانیت خودبنیاد و قرائت ابزاری از عقل و استیلای نفس بشر بر عقل است؛ چراکه عقل در این نگاه، ابزاری در خدمت تأمین اهداف مادی است و توجه به آرمان‌ها، اخلاقیات و ارزش‌های متعالی انسانی محلی از اعراب ندارد. عقل در دنیای مدرن اسیر و در خدمت قوای حیوانی انسان‌ها قرار گرفته است (بی‌نام، ۱۳۸۷: ۴). خروجی این عقل خودبنیاد مدرن به‌عنوان یک ابزار در این مبنا کار می‌کند؛ مبنای ابزاری، نه مبنای اصلی و حقیقی (رهبر، ۱۳۹۹: ۴).

بر اساس عقلانیت ابزاری، انسان به‌عنوان موجودی حسابگر باید در پی تحقق اهداف (مشروع یا نامشروع) با کارایی بالا باشد و به این منظور، استفاده از هر وسیله و توسل به هر شیوه‌ای، ولو غیرمشروع و غیراخلاقی توجیه می‌شود. به عبارت دیگر، این نوع عقلانیت معتقد است هدف وسیله را توجیه می‌کند [که منطقی‌تر است]. در عقلانیت ابزاری، توجهی به عدالت، ارزش‌ها و بایدها نمی‌شود. این دیدگاه معتقد به نسبت در ارزش‌هاست (فروتنی، ۱۳۸۷: ۵۸۳).

منظور غرب از عقلانیت این است که شخص باید پیرو معرفت‌های عقلش باشد و غیر آن را کنار بگذارد...، که به نفی وحی و دین و شهود عرفانی و قلبی می‌انجامد؛ ... زیرا بسیاری از امور دینی در دسترس عقل قرار ندارند، ... و اگر ما بخواهیم فقط بر عقل خودمان تکیه کنیم و قضاوت‌هایمان در موضوعات مختلف مبتنی بر تجربه و درک محدود عقلی باشد، چه بسا به مصالح و مفاسد بسیاری از افعال پی‌نمی‌بریم (مصباح یزدی، ۱۳۹۹: ۶۷-۷۰).

در جوامع غربی، عقلانیت ابزاری بر عقلانیت ارزشی حاکم است.

عقلانیت در قالب نظریه‌ی سایمون و یژگی‌هایی دارد:

۱. عقلانیت محدود به طراحی وسایل و روش‌هاست و عقل توان پرداختن به اهداف را

ندارد؛

۲. عقل، تنها به واقع می‌پردازد و ارزش از محدوده‌ی آن خارج است؛ حوزه‌ی عقل غیرارزشی

و حوزه‌ی ارزش‌ها غیرعقلایی است؛

۳. اهداف لزوماً عقلایی نیستند، بلکه توسط قراردادهای اجتماعی تعیین می‌شوند؛

۴. اخلاق نسبی و ارزش‌ها قراردادی است؛

۵. انسان عقلایی انسان اقتصادی است (فروتی، ۱۳۸۷: ۱۰۳-۱۰۷).

این نوع عقلانیت هر نوع توجه به بستر اخلاقی را در تصمیمات حذف کرده و در آن ارزش‌های انسانی نظیر آزادی، عدالت و برابری جای خود را به برآورد هزینه‌ها و منافع داده است (دنهارت، ۱۳۸۰: ۲۵۹). در دوران معاصر، منطق عقلی به مفهوم اندیشه‌ای حسابگرانه و فایده‌طلب و در تضاد با آمال و ارزش‌های انسانی است (فروتی و بحرانی، ۱۳۸۷: ۶۱). با این مفهوم از عقلانیت، نظام معرفت‌شناختی بشر و نوع نگاه او به آدم و عالم (انسان‌شناسی و هستی‌شناسی) تغییر کرده است. انتقادیون معتقدند در جامعه نوین، سرکوبی ناشی از عقلانیت ابزاری جای استثمار اقتصادی را گرفته و هدفش خدمت به نیروهای سلطه‌گر است، نه رها ساختن مردم از بند سلطه؛ و مکتب انتقادی جامعه نوین را با وجود عقلانیت ظاهری حاکم، سرشار از عدم عقلانیت ارزشی می‌داند و این وضعیت را «عدم عقلانیت عقلانیت» می‌نامد (الوانی و دانایی‌فرد، ۱۳۸۰: ۲۰۸).

اتکای صرف بر تعقل ابزاری و معیارهای ناشی از آن نمی‌تواند در نظام ارزشی ما کاملاً پذیرفته باشد. باید کوشید معیارهای اخلاقی و ارزشی و معیارهای ابزاری و کارکردی به همراه هم پذیرفته و عمل شوند. نباید تعقل ابزاری را از دایره تصمیمات کنار گذاشت. در عین حال می‌باید تعقل ارزشی را نیز در انتخاب‌های خود ملحوظ داشت. تنها در چنین حالتی است که می‌توان تصمیماتی مطلوب و درست که خیر و مصلحت انسان و رفاه او را دربردارد اتخاذ کرد و ارزش‌های راستین مکتب اسلام را در خط‌مشی‌ها و تصمیم‌ها متبلور و مجسم ساخت (الوانی، ۱۳۸۹: ۱۹۷).

عقلانیت اسلامی

در اسلام، بر اهمیت عقل به‌عنوان یکی از منابع اصلی در کنار کتاب و سنت و اجماع تأکید شده است. ... عقل الهی شده در فرهنگ اسلامی به «عقل سلیم» تعبیر می‌شود (بی‌نام، ۱۳۸۸: ۱۴۳-۱۴۴). خداوند متعال در قرآن، سیصد مرتبه انسان را به خردورزی دعوت کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۵۷).

عقلانیت در فرهنگ اسلامی، حوزه وسیع و محترم و موجهی دارد و در سه سطح بررسی می‌شود:

۱. عقلانیت بنیادین: شناخت فلسفه حیات و موقعیت حساس و استثنایی انسان در آن و شأن و جلالت عقل در تنظیم رابطه انسان با جهان و با خدای متعال؛
۲. عقلانیت ارزشی: شأن «عقل» در تنظیم رابطه انسان و معماری اخلاقیات؛
۳. عقلانیت ابزاری: مهندسی و اندازه‌گیری و نظم و پیش‌بینی و نقش عقل در محاسبات معیشتی جهت نیل به اقتصادی شکوفا و تمدنی آباد و مرفه.

عقلانیت اسلامی برخلاف عقلانیت در غرب که تنها به سطح سوم یعنی عقلانیت ابزاری محدود می‌شود، از هر سه سطح برخوردار است و در یک موالات و ترتیب منطقی، ابتدا در یک پرسش اصلی و کلان، از انسان و حیات می‌پرسد و وقتی سنگ بنای عقلانیت را گذاشت و مختصات و اهداف و مبانی آن را معلوم کرد، به تنظیم اخلاقیات می‌نشیند و عاقبت به روش‌ها و ابزار تأمین اهداف مادی و معنوی بشر می‌پردازد (رحیم‌پور ازغدی، ۱۳۸۷: ۱۰۷-۱۰۸ به نقل از سایت یصیرت).

عقلانیت توحیدی و اسلامی به دنبال جلب منافع درازمدت برای بشر است (کوشکی، ۱۳۹۶: ۴). در عقلانیت اسلامی، فکر و عمل عقلانی یعنی چیزی که انسان را در دو مقام ارائه طریق و ایصال به مطلوب به سعادت دنیوی و اخروی می‌رساند. این‌گونه نیست که بگوییم برای دنیا و آخرت برنامه جداگانه‌ای داریم؛ زیرا این دو از همدیگر تفکیک‌ناپذیرند و عقلانیت اسلامی انسان و جامعه انسانی را توأمان به سمت سعادت مطلوب اسلام نزدیک می‌کند. ویژگی دیگر اینکه عقلانیت اسلامی اجزای به‌هم‌پیوسته و هماهنگ دارد که البته این به‌هم‌پیوستگی مکانیکی نیست، بلکه ارگانیکی و اندام‌وار (سیستمی) است (غلامی، ۱۳۹۵: ۴).

عقل در نگاه اسلام، ذیل هدایت آموزه‌های دینی معنا می‌یابد و از دیگر قوای آدمی از قبیل خشم و شهوت و احساسات رهانیده می‌شود و در جایگاهی فوق آنها، مهار و کنترل دیگر قوا را در اختیار می‌گیرد (بی‌نام، ۱۳۸۷: ۳).

ویژگی‌های کلی عقلانیت اسلامی عبارت‌اند از:

۱. ضد تحجر و دگم‌اندیشی است. به بیان واضح، در عقلانیت اسلامی، همه چیز در حال رشد و تکامل است؛

۲. ضد افراط و تفریط است: «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا»؛

۳. ضد استبداد است؛ چه استبداد فردی و چه استبداد جمعی. اصولاً عقلانیت اسلامی میدانی است برای بروز و ظهور حداکثری استعدادها و مشارکت‌های آحاد مردم در تحقق اهداف اسلامی؛

۴. ضد تقلید و تبعیت کورکورانه است. در عین حال ابایی از گزینش دستاوردهای مثبت دیگران و بهره‌گیری از آنها ندارد؛

۵. عقلانیت اسلامی هویت‌سازی و پررنگ کردن مرزهای حق و باطل را مهم می‌شمرد؛

۶. ضد نفاق است و با آن هیچ سازگاری‌ای ندارد و آن را سم مهلک می‌داند؛

۷. عقلانیت اسلامی ضد سکون و قعود، و اهل قیام و مبارزه است: «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدِهِ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَشْنَىٰ وَفِرَادَىٰ» (غلامی، ۱۳۹۵: ۵).

عقلانیت اسلامی یک هسته و یک پیرامون دارد که به لایه‌های زیرین و روین تقسیم می‌شوند. به نظر می‌رسد عمیق‌ترین لایه هسته عقلانیت اسلامی، فطرت الهی است: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ». لایه پس از فطرت شرع مقدس به معنای اعم است که شامل عقاید، احکام و اخلاق می‌شود و پس از شرع، لایه عقل مصطلح یا فلسفی قرار می‌گیرد. در پیرامون این هسته، هر آنچه از طریق آن بتوان به عینیت بخشی به عقلانیت اسلامی پرداخت، قابل جست‌وجوست که از جمله آنها علوم تجربی، علوم دقیقه، اعتباریات نظیر مدیریت، سیستم، ابزار، معماری و سبک زندگی است.

پیرامون هسته عقلانیت اسلامی سه ستون مهم قرار دارد:

ستون اول تقواست که می‌توان آن را به تقوای فردی و جمعی و همچنین تقوای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تقسیم کرد. تقوا به عنوان سیستم خودجوش خودکنترلی، نقش منحصر به فردی در عینیت بخشی به عقلانیت اسلامی دارد؛

ستون دوم عدالت است و چه بسا باید گفت ستون اصلی عدالت است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ». نسبت عدالت با عقلانیت اسلامی نسبت خون با بدن است. لذا عدالت علاوه بر اینکه موجب حیات عقلانیت اسلامی است، کارویژه عقلانیت اسلامی نیز محسوب می‌شود؛

ستون سوم نظم است که امیر مؤمنان علیه السلام در بیان مشهورشان، آن را در کنار تقوا قرار می‌دهند. نظم در اینجا شامل نظم فردی، نظم جمعی، نظم فکری و نظم سیستمی است. در عقلانیت اسلامی، نظم حقیقتاً به مثابه یک ستون است که اگر نباشد، عقلانیت اسلامی اقامه‌پذیر نیست.

این سه ستون با هم ارتباط دارند و یکدیگر را پشتیبانی می‌کنند. امام معصوم نماد و سرچشمه عقلانیت اسلامی است (غلامی، ۱۳۹۵: ۶). اجمالاً مؤلفه‌های عقلانیت اسلامی عبارت‌اند از: تقویت هویت و خودباوری اجتماعی؛ هم‌بستگی اجتماعی حول اهداف و آرمان‌ها؛ گرایش به پیشرفت همه‌جانبه؛ ارتقای نظم و قانون؛ سرمایه‌گذاری وسیع بر تربیت اجتماعی؛ بها دادن به تعقل و دستگاه محاسبات جزءنگرانه؛ ظهور مردم‌سالاری دینی حقیقی و همه‌جانبه؛ تحقق عملی شایسته‌سالاری؛ سازمان یافتن عدالت اجتماعی؛ ارتباط و تعامل با سایر جوامع و فرهنگ‌ها؛ سخت‌کوشی و رهایی از رخوت و تنبلی؛ رواج نقد مشفقانه؛ عبور از فردگرایی افسارگسیخته و تقویت پیوندهای اجتماعی؛ عمل‌گرایی متعادل و غیرافراطی (غلامی، ۱۳۹۷: ۱-۴).

عقلانیت تعالی محور اسلامی درست در مقابل عقلانیت خودبنیاد غربی است. عقلانیت اسلامی برخلاف عقلانیت ابزاری، ظاهرگرا نیست: علم خود را به ظاهر و محسوسات محدود نمی‌کند؛ دنیا را بازیچه نمی‌داند، بلکه دنیا را کاملاً جدی و در جهت دستیابی به حیات اصیل و ابدی تعریف می‌کند؛ علم و عقل را از اسارت و بردگی طواغیت خارج می‌کند و معیار عقلانی بودن و هدایت‌یافتگی و عدم هدایت‌یافتگی را عقل فطری انسان‌ها و شرع می‌داند که در طول آن است. وقتی این‌گونه شد، ظلم و فساد در جامعه اسلامی جایی برای کسب مشروعیت پیدا نمی‌کند (غلامی، ۱۳۹۵: ۶).

در اسلام اساس و مبنای عقل، عقلی است که انسان را به دنیا و آخرت توجه دهد؛ عقلی

است که با وحی در ارتباط باشد. به عبارت دیگر، به عقلانیت تعالی محور توجه می شود نه عقلانیت خودبنیاد (رهبر، ۱۳۹۹: ۳-۵).

پیشینه تجربی تحقیق

بررسی پیشینه تحقیق نشان می دهد که غلامی (۱۳۹۸) در کتاب خود با عنوان نظام عقلانیت سیاسی اسلام و جایگاه آن در شکل گیری تمدن نوین اسلامی، معنا و مبنا و سیر تطور عقلانیت، عقلانیت اسلامی، عقلانیت سیاسی اسلام و تمدن نوین اسلامی و جایگاه و کارکرد نظام عقلانیت سیاسی اسلام را تبیین کرده است.

نتایج تحقیق فرزانه و همکاران (۱۳۹۷) حاکی است که تمدن نوین اسلامی برای ایجاد و بقا شاخص هایی دارد که برخی همانند توجه به علم، تلاش و پشتکار در تمدن های دیگر نیز یافت می شود و برخی از آنها همانند مبنا بودن دین و اخلاق و توجه به عقلانیت معرفتی و ارزشی، خاص تمدن نوین اسلامی است و در کنار توجه به علم و شکستن مرزهای دانش، عقلانیت و خردورزی از مؤلفه ها و بن مایه های مهم تمدن نوین اسلامی است که در هر سه سطح عقلانیت معرفتی، اخلاقی و ابزاری به آن توجه شده است.

یافته های تحقیق زمانی محجوب (۱۳۹۶) با عنوان «مؤلفه ها و شاخص های تمدن اسلامی» نشان می دهد که عقلانیت و عدالت در کنار دین و توحید، جهان شمولی، تساهل و مدارا، آزاداندیشی، اخلاق، کرامت انسانی، علم، و تلاش و مجاهدت، از مؤلفه های اصلی تمدن اسلامی به شمار می آیند.

نتایج تحقیق اسماعیلی و عباسی فیروزجاه (۱۳۹۵) نشان می دهد که از دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی، عدالت و معنویت و عقلانیت پایه های اساسی انقلاب اسلامی را تشکیل می دهند و عدم پیوستگی میان این ابرمفاهیم، موجب انحراف و فروپاشی نظام اسلامی خواهد شد. از دیدگاه رهبر، عقلانیت جزء جدانشدنی انقلاب به شمار می رود. انقلاب برحسب عقلانیت خاص خود به تولید مفاهیمی می پردازد که برای اداره جامعه و حرکت به سمت الگوی مطلوب، از اهمیت اساسی برخوردار است.

یافته های تحقیق اکبری و رضایی (۱۳۹۴) با عنوان «واکاوی شاخصه های تمدن نوین

اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (علیه السلام) نشان می‌دهد که محوریت قوانین قرآن، ایمان، علم، اخلاق، عقلانیت و خردورزی، مجاهدت مداوم و حکومت مردمی شاخصه‌های اختصاصی تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری است و از دیدگاه ایشان، گسترش و ترقی تمدن نوین اسلامی به همت و خرد دسته‌جمعی نیاز دارد که در سایه اخلاق، کار و تلاش، ایمان به خدا، عقلانیت، توانایی علمی، اقتصاد شکوفا، برخورداری از رسانه‌های قوی و روابط بین‌الملل به وجود می‌آید.

ملکی و ملکی (۱۳۹۲) در تحقیق خود با عنوان «تعامل اخلاق، معنویت و عقلانیت در تمدن نوین اسلامی» به این نتیجه رسیدند که برای تمدن‌سازی اسلامی، باید اخلاق، معنویت و عقلانیت را به‌عنوان یک کل یک‌پارچه تلقی، و راهکارهای اصلی را از تعامل و ارتباط متقابل آنها مشخص کرد.

بررسی‌های بیشتر نشان می‌دهد که درباره مفهوم و مصادیق عقلانیت از منظر امام خامنه‌ای، پژوهش علمی درخوری صورت نگرفته و بیشتر به نقش عقلانیت در تمدن نوین اسلامی پرداخته شده است. وجه تمایز تحقیق حاضر با مطالعات قبلی (۱) تبیین مفهوم عقلانیت اسلامی و (۲) تبیین مفهوم و مصادیق عقلانیت از دیدگاه امام خامنه‌ای (علیه السلام) در وجوه ایجابی و سلبی با استفاده از روش تحلیل مضمون است، که این موارد در راستای نوآوری تحقیق حاضر ارزیابی می‌شوند.

روش‌شناسی پژوهش

هدف پژوهش حاضر تبیین مفهوم عقلانیت اسلامی و نیز تبیین مفهوم و مصادیق عقلانیت در وجوه ایجابی و سلبی از دیدگاه امام خامنه‌ای (علیه السلام) است. نوع تحقیق کیفی است و برای پاسخ به پرسش اول تحقیق از روش مطالعات کتابخانه‌ای و برای پاسخ به پرسش دوم تحقیق از شیوه تحلیل مضمون^۱ استفاده شده است. محتوای تحلیل شده (جامعه آماری تحقیق) همه بیانات امام خامنه‌ای (علیه السلام) درباره مقوله عقلانیت و مترادف‌های آن به صورت تمام‌شمار است که با روش تحلیل مضمون مطالعه شده‌اند. مضمون عبارت است از دیدگاه نویسنده

1. Thematic Analysis.

درباره موضوعی که در پی القای آن به مخاطب است. مضمون همان بن اندیشه یا درون مایه پیام یا محتواست. ... در شیوه تحلیل مضمون، اطلاعات بر اساس موضوع در دسته‌های معنادار طبقه‌بندی می‌شود تا بتوان نظر افراد را خلاصه و تحلیل کرد (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۷: ۵۱-۶۴). مضمون تقسیم‌بندی‌های مختلفی دارد. در این پژوهش، مضامین پایه‌ای و سازمان‌دهنده و فراگیر استفاده شده‌اند. در این روش علمی، شبکه مضمون‌ها بر اساس روندی مشخص، مضمون‌های پایه^۱ (شناسه‌ها و نکات کلیدی متن)، مضمون‌های سازمان‌دهنده^۲ (مضمون‌های به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضمون‌های پایه) و مضمون‌های فراگیر^۳ (مضمون‌های عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به مثابه کل) را نظام‌مند می‌کند. سپس این مضمون‌ها به صورت نقشه‌های شبکه تارنما رسم، و مضمون‌های برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود.

مضمون‌ها یا الگوهای داده‌ها را می‌توان به روش استقرایی (مبتنی بر داده) و روش قیاسی (مبتنی بر نظریه) شناخت. در روش استقرایی، تحلیل مضمون بر اساس داده‌ها انجام می‌شود (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۱-۱۹۸).

در این پژوهش، رویکرد استفاده‌شده روش قیاسی است. درگام نخست، محقق ضمن جست‌وجو و مطالعه و بررسی متن و محتوای در حال تحلیل که متون مرتبط و مترادف با عقلانیت در بیانات امام خامنه‌ای علیه السلام بود، به تجزیه و توصیف متن پرداخته است. ایجاد شناسه‌های اولیه و تهیه قالب مضمون‌ها، تفکیک متن به بخش‌های کوچک‌تر، شناسه‌گذاری ویژگی‌های داده‌ها و همچنین جست‌وجو و شناخت مضمون‌ها از طریق تطبیق دادن شناسه‌ها با قالب مضمون‌ها، استخراج مضمون‌ها از بخش‌های شناسه‌گذاری شده متن و پالایش و بازبینی مضمون‌ها از اقدامات مربوط به گام اول است. درگام دوم، محقق به تشریح و تفسیر متن از طریق ترسیم شبکه مضمون‌ها (بررسی و کنترل همخوانی مضمون‌ها با

1. Basic Themes.

2. Organizing Themes.

3. Global Themes.

شناسه‌های استخراج‌شده، مرتب کردن مضمون‌ها، انتخاب مضمون‌های پایه و سازمان‌دهنده و فراگیر، ترسیم نقشه مضمون‌ها و اصلاح و تأیید شبکه مضمون‌ها) و همچنین تحلیل آنها (تعریف و نام‌گذاری مضمون‌ها و توصیف و توضیح شبکه مضمون‌ها) پرداخته است. درگام سوم، ترکیب و ادغام متن از طریق تلخیص شبکه مضمون‌ها و بیان اجمالی آن، مرتبط کردن نتایج تحلیل با سؤالات تحقیق و مبانی نظری و طراحی الگوی مفهومی عقلانیت در وجوه ایجابی و سلبی از دیدگاه امام خامنه‌ای علیه السلام از اقدامات پژوهشی محقق بوده است. برای سنجش روایی تحقیق، علاوه بر اینکه با مطالعه مبانی نظری، پیشینه و اهداف تحقیق، مضمون‌های پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر انتخاب و تأیید شد، نظر برخی خبرگان نیز لحاظ شد و پیش از شناسه‌گذاری، جرح و تعدیل نهایی به عمل آمد و بر اساس نتایج حاصل، به پرسش‌های تحقیق پاسخ داده شد. بر اساس اهداف تحقیق، پرسش‌های تحقیق تدوین شد که عبارت‌اند از:

۱. مفهوم عقلانیت اسلامی چیست؟
۲. مفهوم و مصادیق عقلانیت در وجوه ایجابی و سلبی از دیدگاه امام خامنه‌ای علیه السلام چیست؟

یافته‌های تحقیق

درباره پرسش اول تحقیق، یافته‌های حاصل از مطالعه متون مرتبط با موضوع که به برخی از آنها در مبانی نظری پرداخته شد، نشان می‌دهد عقلانیت اسلامی عقلانیتی توحیدی، معنوی و تعالی محور است و جهت حرکتش به سمت خداست. عقل در نگاه اسلام ذیل راهنمایی و هدایت آموزه‌های دینی و ارزش‌های اخلاقی معنا می‌یابد و می‌تواند مهار و کنترل دیگر قوا را در اختیار بگیرد.

عقلانیت به مفهوم عقل سلیم در فرهنگ اسلامی حوزه وسیعی دارد و در سه سطح (۱) عقلانیت بنیادین یا معرفتی، (۲) عقلانیت اخلاقی و ارزشی و (۳) عقلانیت ابزاری مطرح است، و عقلانیت ابزاری ذیل دو سطح دیگر از عقلانیت قرار می‌گیرد و هنگامی کاربرد دارد که با سطوح دیگر عقلانیت همخوانی داشته باشد.

برای تبیین مفهوم عقلانیت از دیدگاه امام خامنه‌ای علیه السلام و در جهت پاسخ به پرسش دوم

تحقیق، متن بیانات ایشان درباره عقلانیت استخراج و متن کاوی شد. برای این منظور، ابتدا مضمون‌های متن درباره مقوله عقلانیت و مترادف‌های آن نظیر عقل، قدرت تفکر، اندیشه و منطق از متن بیانات امام خامنه‌ای علیه السلام استخراج شد و سپس بر اساس محتوای سلبی و ایجابی در گروه‌های مشابه و منسجمی دسته‌بندی شد. سپس با استفاده از روش شبکه مضامین که دارای سه مرحله تلخیص، تحلیل تفسیری و تحلیل ساختاربخش است، با روندی مشخص، شبکه مضمون‌ها با عناوین مضامین پایه‌ای، مضامین سازمان‌دهنده و سپس مضامین فراگیر از محتوای بیانات امام خامنه‌ای علیه السلام انتزاع شد. در نهایت، داده‌ها تحلیل و الگوی مفهومی عقلانیت از منظر امام خامنه‌ای علیه السلام در وجوه ایجابی و سلبی طراحی شد. به دلیل محدودیت جدول و جهت روشن شدن روایی مضامین، محتوای بیانات امام خامنه‌ای علیه السلام با ذکر کد در پانویست ارائه می‌شود.

از متن بیانات امام خامنه‌ای علیه السلام به صورت شبکه‌ای و سلسله‌مراتبی، مضامین پایه‌ای، سازمان‌دهنده و فراگیر در وجوه ایجابی (جدول ۱) و سلبی (جدول ۲) استخراج شده است.

جدول ۱: شبکه مضامین عقلانیت در وجوه ایجابی

از منظر امام خامنه‌ای علیه السلام

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه	کد
عمل سنجیده	محاسبه درست و کار سنجیده	عقلانیت به مفهوم محاسبه درست و منطقی، ^۱ به کار گرفتن خرد و تدبیر و فکر و محاسبات است ^۲	۱
	پیامدسنجی اعمال	عقلانیت کار کارشناسی، مطالعه درست و ملاحظه پیامد رفتار و گفتار است ^۳	۲

۱. «مبنای اقتدار در جمهوری اسلامی یک مبنای عقلانیتی است...؛ یعنی یک محاسبه درست و منطقی» (۱۳۹۹/۷/۲۱).

۲. «در بُعد عقلانیت، به کار گرفتن خرد و تدبیر و فکر و محاسبات، در مکتب امام مورد ملاحظه بوده است» (۱۳۹۰/۳/۱۴).

۳. «یک شاخص دیگر، مسئله حکمت و خردگرایی در کارهاست؛ کار کارشناسی، مطالعه درست، ملاحظه جوانب و آثار و تبعات یک اقدام و حتی گاهی ملاحظه تبعات یک اظهارنظر» (۱۳۹۲/۶/۶).

	شناخت، معرفت و بصیرت	عقل به مفهوم بصیرت، تدبر و اندیشه، درست فهمیدن و درست تحلیل کردن مسائل و تشخیص و مصلحت است ^۱	۳	
هماهنگی عقل و دین	عقلانیت مبتنی بر اسلام	پیروی از عقل سلیم یک امر قرآنی و دینی است ^۲	۴	
		قرآن و سیره معصومان <small>علیهم‌السلام</small> معیار تعقل است ^{۱۰}	۵	
		عقل انسان را به سبک زندگی اسلامی می‌رساند ^۳	۶	
		با عقل انسان پیام پیامبران را درک و از آنها استفاده می‌کند ^۴	۷	
		عقل انسان را به دین راهبرد می‌دهد ^۵	۸	
	اسلام مبتنی بر عقلانیت	اسلام مبتنی بر عقلانیت است ^۶	۹	
		پایبندی به قرآن، مایه به کار افتادن علم و عقل است ^۷	۱۰	
	عقلانیت متعالی	راهنما و	تقویت تفکر و تعقل برای معرفت‌افزایی و تشخیص	۱۱

۱. «دنیای اسلام امروز احتیاج دارد به روی آوردن به اندیشه، روی آوردن به فکر، عادت کردن به اندیشیدن، مسائل را درست فهمیدن، درست تحلیل کردن. دنیای اسلام امروز احتیاج دارد به شناختن حقیقی جنبه دشمن امت اسلامی... امروز دنیای اسلام به این بصیرت و تدبر و اندیشه احتیاج دارد» (۱۳۹۳/۳/۶). «در هر حرکت اجتماعی، آن وقتی حرکت درست خواهد بود و به نتایج درست خواهد رسید که مبنی بر خرد و تأمل و تشخیص و مصلحت و مبتنی بر پایه‌های درست و عقلانی باشد» (۱۳۷۶/۷/۳۰).
۲. «یکی از چیزهایی که قرآن و هدایت الهی به ما تعلیم داده است، تبعیت از داوری خرد و عقل انسانی است. این هم قرآنی است؛ یعنی پیروی از آنچه که عقل سلیم به آن حکم کند... یک امر قرآنی است. این هم امر دینی است. اینها شد معیار. آنچه که بندگان برگزیده خدا، معصومین عندالله، به ما یاد دادند، این می‌شود معیار؛ معیار اینهاست» (۱۳۹۲/۴/۱۹).
۳. «عقل آن چیزی است که انسان را به سبک زندگی اسلامی می‌رساند» (۱۳۹۷/۳/۲۰).
۴. «عقل و خرد است که می‌توانند پیام پیامبران را درک... و از مفاهیم قرآن به درستی استفاده کنند» (۱۳۹۳/۳/۶).
۵. «عقل است که انسان را به دین راهبرد می‌دهد» (۱۳۸۸/۴/۲۹).
۶. «اسلام ما اسلام عقلانی است. عقل کاربرد بسیار وسیعی در فهم ما، تشخیص اهداف و تشخیص ابزارهای ما داراست» (۱۳۸۳/۵/۲۵).
۷. «پایبندی به قرآن، مایه روشن‌فکری و مایه آزادفکری و مایه به کار افتادن علم و عقل و ابتکار و تلاش است» (۱۳۷۶/۱۱/۹).

	حق و باطل لازم است ^۱	
	داشتن بصیرت از عقلانیت است ^۲	۱۲
	عقل انسان‌ها را تعالی می‌بخشد ^۳	۱۳
	عقل انسان را به راه راست هدایت می‌کند ^۴	۱۴
	شناخت اصالت‌ها از عقلانیت است ^۵	۱۵
ارزش‌گرا	عقلانیت مبتنی بر اصول و مبانی ارزشی است ^۶	۱۶
توحیدگرا	عقل انسان را هدایت می‌کند و به عبودیت می‌رساند ^۷	۱۷
	عقل انسان را به مقام قرب و توحید می‌رساند ^۸	۱۸
اعتماد به خدا و سنت‌های الهی	تکیه و توکل به خدای بزرگ از عقلانیت است ^۹	۱۹
	اعتماد به خدا و سنت الهی از عقلانیت است. ^{۱۰}	۲۰

۱. «اساس جامعه اسلامی بر این است که به مردم فرصت فکر کردن داده بشود؛ یعنی آنچه گفتنی است به مردم گفته شود تا مردم بتوانند در سایه معرفتی که پیدا می‌کنند، حق را از باطل تشخیص بدهند. لذا اساس حکومت‌های ظالمانه در طول تاریخ بشر و همچنین امروز در دنیا بر این بوده که وسیله تشخیص حق و باطل یعنی فکر کردن و اندیشیدن را از مردم بگیرند» (۱۳۶۰/۴/۵).
۲. «دنیای اسلام امروز احتیاج دارد به روی آوردن به اندیشه، روی آوردن به فکر، عادت کردن به اندیشیدن، مسائل را درست فهمیدن، درست تحلیل کردن. دنیای اسلام امروز احتیاج دارد به شناختن حقیقی جبهه دشمن امت اسلامی. ... امروز دنیای اسلام به این بصیرت و تدبیر و اندیشه احتیاج دارد» (۱۳۹۳/۳/۶).
۳. «عقل باید بتواند انسان‌ها را تعالی ببخشد» (۱۳۹۷/۳/۲۰).
۴. «عقل این است که انسان را به راه راست هدایت کند» (۱۳۸۸/۴/۲۹).
۵. «عقلانیت معنایش این است که انسان اصالت‌ها را بشناسد» (۱۳۹۶/۳/۱۴).
۶. «عقلانیت را به‌عنوان یک وسیله بهانه قرار بدهند و از اصول و مبانی و پایه‌های اصلی صرف نظر کنند. این نباید انجام بگیرد» (۱۳۹۰/۶/۱۷).
۷. «عقل آن چیزی است که راه عبادت خدا را هموار می‌کند» (۱۳۸۸/۴/۲۹). «الْعَقْلُ مَا عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اَكْتَسِبَ بِهِ الْجَنَانُ. اَلْعَقْلُ يَهْدِي وَيُنْجِي» (۱۳۹۷/۳/۲۰).
۸. «عقل در یک سطح، آن عاملی است که انسان را به مقام قرب می‌رساند؛ به مقام توحید می‌رساند» (۱۳۹۷/۳/۲۰).
۹. «عقلانیت تکیه و توکل به خدای بزرگ است» (۱۳۹۶/۳/۱۴).
۱۰. «محاسبات جمهوری اسلامی از روز اول بر اساس منطق عقلانی و یک قوه عاقله‌ای بوده است. عناصری که این محاسبات را شکل می‌دهد اینهاست: اول، اعتماد به خدا و سنن آفرینش؛ دوم، بی‌اعتمادی به دشمن و

حلال مشکلات	حلال مشکلات	نگاه درست، عاقلانه و بخردانه حلال مسائل خواهد بود ^۱	۲۱
		تقویت قدرت تفکر حلال مشکلات است ^۲	۲۲
	تحول آفرین	محاسبه عقلانی منشأ تحولات عظیم است ^۳	۲۳
		عقل به همراه علم و عزم، عامل افزایش کارایی است ^۴	۲۴
ظلم‌ستیزی	دشمن‌شناسی	دشمن‌شناسی از عقلانیت است ^۵	۲۵
	بی‌اعتمادی به دشمن	بی‌اعتمادی به دشمن از عقلانیت است ^۶	۲۶
		اعتماد به دشمن و غفلت از خدعه او خلاف عقلانیت است ^۷	۲۷
	استکبارستیزی	استکبارستیزی بر اساس منطق و عقلانیت است ^۸	۲۸
		هزینه چالش عقلایی با استکبار، کمتر از هزینه سازش است ^۹	۲۹

- شناخت او، ... اعتماد به مردم و ایمان‌ها، ... اعتقاد به خودباوری و اینکه ما می‌توانیم» (۱۳۹۳/۴/۱۶).
۱. «اعتماد به پروردگار و نگاه درست، عاقلانه و بخردانه، حلال مسائل خواهد بود» (۱۳۹۲/۶/۶).
 ۲. «قدرت تفکر را در یک جامعه تقویت کردن حلال مشکلات است» (۱۳۸۸/۴/۲۹).
 ۳. «محاسبه عقلانی گاهی اوقات خودش منشأ تحولات عظیمی می‌شود» (۱۳۸۴/۶/۸).
 ۴. «ما باید این کارایی را افزایش بدهیم، با علم، با عقل، با عزم» (۱۳۸۶/۳/۳۱).
 ۵. «دنیای اسلام امروز احتیاج دارد به شناختن حقیقی جبهه دشمن امت اسلامی. ... امروز دنیای اسلام به این بصیرت و تدبیر و اندیشه احتیاج دارد» (۱۳۹۳/۳/۶).
 ۶. «عقلانیت اقتضا می‌کند نسبت به کسانی که دشمنی خود را آشکار کرده‌اند بی‌اعتمادی مطلق داشته باشیم» (۱۳۹۵/۸/۲۶). «امام به دشمن اعتماد نکرد. بعد از آنکه دشمن ملت ایران و دشمن این انقلاب را درست شناخت، در مقابل او مثل کوه ایستاد» (۱۳۹۰/۳/۱۴).
 ۷. «آن عقلانیتی که در مکتب امام بزرگوار ما هست، اقتضا نمی‌کند که ما از خدعه دشمن غافل شویم، از کید او غافل شویم، از نقشه عمیق او غافل شویم، به او اعتماد کنیم، در مقابل او کوتاه بیاییم» (۱۳۹۰/۳/۱۴).
 ۸. «این شعار ضد‌امریکایی، این فریاد کشیدن بر سر امریکا از روی تعصب نیست، از روی جهالت نیست، از روی لجبازی نیست؛ از روی منطق است؛ متکی به یک پشتوانه و عقبه منطقی و فکری است» (۱۳۹۵/۸/۱۲).
 ۹. «بعضی عقلانیت را در این می‌دانند و می‌گویند که چالش با قدرت‌ها هزینه دارد. اشتباه می‌کنند. بله، چالش هزینه دارد، اما سازش هم هزینه دارد. چالش اگر عقلایی باشد، ... هزینه‌اش به مراتب کمتر از هزینه سازش است» (۱۳۹۶/۳/۱۴).

		سرسختی و انعطاف‌ناپذیری در مقابله با دشمن مهاجم عقلایی است ^۱	۳۰	
آرمان‌گرایی، واقع‌بینی و انقلابیگری	انقلابیگری	عقلانیت واقعی در انقلابیگری است ^۲	۳۱	
		محاسبات انقلاب و نظام بر اساس منطق عقلانی بود ^۳	۳۲	
	ترکیب آرمان‌گرایی و واقع‌بینی		عقلانیت یافتن راه‌هایی برای رسیدن به آرمان‌هاست ^۴	۳۳
			آرمان‌گرایی عین عقلانیت است ^۵	۳۴
			تحولات جمهوری اسلامی بر اساس نگاه عقلانی به واقعیت‌های دنیاست ^۶	۳۵
			ترکیب آرمان‌گرایی با واقع‌بینی عقلایی است ^۷	۳۶
			استفاده از ظرفیت‌ها برای رسیدن به آرمان‌ها عقلایی است ^۸	۳۷
مجاهدت	مجاهدت و سخت‌کوشی از عقلانیت است	۳۸		

۱. «یک نمونه دیگر از عقلانیت امام و تکیه او به خرد و هوشمندی، عبارت است از سرسختی و عدم انعطاف او در مقابله با دشمن مهاجم» (۱۳۹۰/۳/۱۴).
۲. «عقلانیت واقعی هم در انقلابیگری است. نگاه انقلابی است که می‌تواند حقایق را به ما نشان بدهد» (۱۳۹۶/۳/۱۴).
۳. «محاسبات جمهوری اسلامی از روز اول بر اساس منطق عقلانی و یک قوه عاقله‌ای بوده است» (۱۳۹۳/۴/۱۶). «انقلاب عظیم اسلامی ما ناشی از یک عقلانیت بود. ... محاسبات عقلانی و کار عقلانی و کار فکری شده بود. ... الان هم همین‌طور است» (۱۳۸۴/۶/۸).
۴. «عقلانیت برای پیش رفتن و در جهت یافتن راه‌هایی برای هرچه موفق‌تر شدن در رسیدن به این آرمان‌هاست» (۱۳۸۷/۶/۱۹).
۵. «آرمان‌گرایی عین عقلانیت است» (۱۳۹۵/۶/۲۸).
۶. «الان در نظام ما برخی از تحولات هست که مُنتجۀ یک نگاه عقلانی و دقیق و موشکافانه به وضع موجود و وضع دنیاست» (۱۳۸۴/۶/۸).
۷. «وقتی که مسئولان کشور آرمان‌ها را به صورت منطقی و متین دنبال کردند، ... واقعیت‌های جامعه با آرمان‌ها هماهنگ می‌شود» (۱۳۹۱/۵/۳).
۸. «تلاش مجاهدت‌آمیز و تلاش سخت یعنی به کارگیری عقل، علم، تخصص و تجربه و به کار بردن همه ظرفیت دستگاه تحت مدیریت برای رسیدن به آرمان‌های نظام اسلامی» (۱۳۸۳/۱/۲).

		یک‌سانی شعار و عمل عقلایی است ^۱	۳۹
		حضور منطقی در معادلات جهانی عقلایی است ^۲	۴۰
		عقل احتیاج به تربیت معنوی دارد ^۳	۴۱
معنویت‌گرایی و عدالت‌گرایی	معنویت‌گرایی	مکتب امام دارای سه بعد عقلانیت، معنویت و عدالت است ^۴	۴۲
	عدالت‌گرایی	اسلام متکی به معنویت، عقلانیت و عدالت است ^۵	۴۳
		عقلانیت، معنویت و عدالت از اسلام است ^۶	۴۴
	اخلاق‌گرایی	عقلانیت امام خمینی <small>علیه السلام</small> توأم با انسانیت و فضایل اخلاقی بود ^۶	۴۵
	تقویت پیوندهای اجتماعی	وحدت‌گرایی از عقلانیت است ^۷	۴۶
استفاده از	اعتماد به مردم	اعتماد و تکیه به مردم از عقلانیت است ^۸	۴۷

۱. «غرب همین مفاهیم و اهدافی را هم که خودش ادعا می‌کرد، غالباً پوششی قرار داد برای مقاصد شیطانی... منظور ما مفاهیمی است برگرفته از منطق اسلام و قرآن و آنچه که در معارف اسلامی است» (۱۳۹۰/۷/۲۴).
۲. «ما باید این کارایی را افزایش بدهیم، با علم، با عقل، با عزم... حضور جمهوری اسلامی، حضور منطق است، حضور فکر است، حضور انگیزه معنوی است. اینها دستشان در این صحنه به کلی خالی است. نمی‌توانند مقابله کنند» (۱۳۸۶/۶/۳۱).
۳. «عقل آن چیزی است که انسان را به سبک زندگی اسلامی می‌رساند... پس احتیاج به تربیت معنوی دارد» (۱۳۹۷/۳/۲۰).
۴. «مکتب امام یک بسته کامل است... دو بُعد اصلی در مکتب امام بزرگوار ما بُعد معنویت و بُعد عقلانیت است... در بُعد عقلانیت، به کار گرفتن خرد و تدبیر و فکر و محاسبات، در مکتب امام مورد ملاحظه بوده است... بعد سومی هم وجود دارد که آن هم مانند معنویت و عقلانیت، از اسلام گرفته شده است... و آن بُعد عدالت است. اینها را باید با هم دید» (۱۳۹۰/۳/۱۴).
۵. «اسلام ما اسلامی است متکی به معنویت، عقلانیت و عدالت. این سه شاخص عمده در آن هست» (۱۳۸۳/۵/۲۵).
۶. «منطق امام بزرگوار ما منطق عقل، منطق فکر، منطق عمل روشن‌بینانه، منطق انسانیت و هنجار انسانی و اخلاق انسانی و فضایل اخلاقی بود» (۱۳۸۴/۶/۱۱).
۷. «خواست دشمن ایجاد اختلاف است... اینکه امام این‌قدر روی مسئله وحدت تکیه می‌کردند، برای این است که این یک مسئله احساساتی نیست. این یک مسئله عقلانی است» (۱۳۷۲/۶/۱۴).
۸. «عقلانیت معنایش این است که انسان اصالت‌ها را بشناسد. عقلانیت تکیه به مردم است؛ عقلانیت تکیه به

ظرفیت‌های داخلی	استفاده از ظرفیت‌های داخلی	تکیه به نیروهای داخلی از عقلانیت است	۴۸
		استفاده از ظرفیت‌های داخل از عقلانیت است ^۱	۴۹
		استفاده از فرصت‌ها از عقلانیت است ^۲	۵۰
		اقتصاد مقاومتی از عقلانیت است ^۳	۵۱
	استفاده از تخصص	بهره‌گیری از علم و تخصص و تجربه از عقلانیت است	۵۲
تقوamحور	داشتن اخلاص و تقوا	عقل و تقوا باید رفتار انسان را هدایت کند، نه امیال نفسانی ^۴	۵۳
		اخلاص در عمل نشانه عقلانیت است ^۵	۵۴
	تعادل در رفتار	تعادل در رفتار و اجتناب از افراط و تفریط عقلانیت است ^۶	۵۵
	مدارا و تقوای سیاسی	هتک حرمت خلاف عقل سیاسی است ^۷	۵۶

نیروی داخلی است» (۱۳۹۶/۳/۱۴).

۱. «برنامه‌ریزی عاقلانه و مدبرانه برای استفاده از این ظرفیت‌ها می‌تواند کشور را به اقتدار و استحکام ساخت درونی برساند» (۱۳۹۶/۲/۵).
۲. «اگر از فرصت‌ها استفاده نکنند و عقل و تدبیر و هوش و علم و تخصص و تجربه را به کار نگیرند...» (۱۳۸۳/۱/۲).
۳. «اقتصاد مقاومتی... یک معنای کاملاً معقول‌تر و عمیق‌تری دارد. ... ما باید بتوانیم یک اقتصادی را در کشور به‌وجود بیاوریم که در مقابل بحران‌ها و جزروندهای بین‌المللی مقاوم باشد: آسیب نبیند» (۱۳۹۲/۶/۶).
۴. «روح همه معارف و تعالیم اسلامی این است که افسار رفتار و حرکت بشر در زندگی به دست شهوت و غضب داده نشود؛ انسان و جامعه انسانی را خودخواهی‌ها هدایت نکنند، بلکه عقل و تقوا هدایت کند» (۱۳۸۳/۱/۲۶).
۵. «عقل آن چیزی است که راه عبادت خدا را هموار می‌کند. شاخص آن هم اخلاص است» (۱۳۸۸/۴/۲۹).
۶. «خواستن، مطالبه کردن... همراه با عقلانیت... دانشجو باید از افراط و تفریط پرهیز کند. من با افراط‌کاری و زیاده‌روی‌های گوناگون در هر جهتی موافق نیستم. با اعتدال، با روش منطقی و صحیح مسائل را دنبال کنید و بدانید که خواست و پیگیری شما اثر دارد» (۱۳۸۶/۷/۱۷).
۷. «فضای هتک حرمت، هم خلاف شرع است هم خلاف اخلاق است هم خلاف عقل سیاسی است. انتقاد، مخالفت، بیان عقاید با جرئت هیچ اشکالی ندارد» (۱۳۸۹/۱۲/۱۹).

منبع شناخت و معرفت	منبع شناخت و معرفت	عقل حجت درونی انسان است ^۱	۵۷
		در اسلام یکی از منابع حجت برای یافتن اصول و فروع دینی، عقل است ^۲	۵۸
	آزاداندیشی و تولید علم	بسترسازی برای تعقل، آزاداندیشی و تولید علم از عقلانیت است ^۳	۵۹
قانون‌گرایی	مرجعیت قانون و ساختارهای قانونی	ایجاد زیرساخت‌های قانونی در کشور و زمینه قانون‌گرایی از مظاهر عقلانیت است ^۴	۶۰
		ایجاد زیرساخت‌های حقوقی، سیاسی، اجتماعی و علمی عقلایی است ^۵ و ۶۰	۶۱
مردم‌سالاری	مردم‌سالاری	صاحب و مالک کشور دانستن مردم از عقلانیت است ^۶	۶۲
		ایجاد نظام مردم‌سالاری برای نظام سیاسی کشور و تکیه به مشارکت و آرای مردم عقلایی است ^۷	۶۳

۱. «طبق حجت درونی خودم، که عقل و تفکر است...» (۱۳۸۴/۳/۵).

۲. «در اسلام ضدیت دین با علم و ضدیت دین با عقل، اصلاً معنا ندارد. در اسلام یکی از منابع حجت برای یافتن اصول و فروع دینی، عقل است. اصول اعتقادات را با عقل بایستی به دست آورد. در احکام فرعی هم عقل یکی از حجت‌هاست» (۱۳۸۳/۷/۵).

۳. «باید تولید نظریه و فکر تبدیل به یک ارزش عمومی در حوزه و دانشگاه شود و در قلمروهای گوناگون عقل نظری و عملی...» (۱۳۸۱/۱۱/۱۶). «باید روی مسائل فکر کرد... تا به نتیجه برسید. نهضت آذدفکری که من پیشنهاد کردم در دانشگاه و حوزه راه بیفتد، برای همین است» (۱۳۸۴/۲/۱۹).

۴. «امام راحل^ع با گزینش نظام مردم‌سالاری دینی، تدوین قانون اساسی و ایجاد زیرساخت‌های قانونی در کشور، زمینه قانون‌گرایی و نیز مشارکت عموم مردم در انتخابات و تعیین سرنوشت کشور خود را فراهم کردند» (۱۳۹۷/۱۱/۲۴).

۵. «یک مظهر دیگر، تدوین قانون اساسی بود. ... بعد امام همین قانون اساسی را مجدداً در معرض آرای مردم قرار داد. ... این یکی از مظاهر عقلانیت امام است. ... هم از لحاظ حقوقی، هم از لحاظ سیاسی، هم از لحاظ فعالیت اجتماعی، هم از لحاظ پیشرفت‌های علمی، امام یک قاعده محکم و مستحکمی را به وجود آورد که بر اساس این قاعده می‌شود تمدن عظیم اسلامی را بنا نهاد» (۱۳۹۰/۳/۱۴).

۶. «از جمله مسائلی که مظهر عقلانیت امام بزرگوار بود، این بود که ایشان به مردم تفهیم کرد که آنها صاحب و مالک این کشورند» (۱۳۹۰/۳/۱۴).

۷. «تکیه به آرای مردم... یک نمونه دیگر از عقلانیت امام و...» (۱۳۹۰/۳/۱۴).

دوراندیشی و گزینش منطقی	آینده‌نگری	۶۴	ایجاد زمینه برای تشکیل تمدن عظیم اسلامی عقلایی است	
		۶۵	آینده‌نگری و دوراندیشی از عقلانیت است ^۱	
	گزینش منطقی	۶۶	عقلانیت مهم‌ترین ابزار نظام در همه زمینه‌هاست ^۲	
		۶۷	عقلانیت باید بر تمام ارکان این نظام حاکم باشد ^۳	
		۶۸	تشخیص اهداف و ابزارها در نظام جمهوری اسلامی عقلایی است	
		۶۹	جدا کردن عقلانیت و معنویت و عدالت از یکدیگر، جامعه را به انحراف می‌برد ^۴	
	درهم‌تنیدگی عقلانیت و عدالت و معنویت	درهم‌تنیدگی عقلانیت و عدالت و معنویت	۷۰	عدالت نشانه عقلانیت و معنویت است ^۵
			۷۱	عقلانیت شرط اول در عدالت است ^۶
۷۲			بدون معنویت و عقلانیت، عدالت تحقق نمی‌یابد ^۷	
۷۳			عقلانیت شرط لازم برای تحقق عدالت و معنویت است و این سه از هم تفکیک‌ناپذیرند ^۸ و ۷۰	

۱. «کوتاه بینی واقعاً بلای بزرگی است: انسان حال را ببیند، آینده را نبیند؛ چیزهای نقد را ببیند، چیزهای بلندمدت را نبیند. این آفت بزرگی است برای عقل انسان و سعادت انسان» (۱۳۶۸/۴/۲۵).
۲. «عقلانیت مهم‌ترین ابزار کار ماست. ... این مخصوص سیاست خارجی ما نیست، بلکه در همه زمینه‌هاست. اسلام ما اسلام عقلانی است. عقل کاربرد بسیار وسیعی در فهم ما، تشخیص اهداف و تشخیص ابزارهای ما داراست» (۱۳۸۳/۵/۲۵).
۳. «عقلانیت باید بر تمام ارکان این نظام حاکم باشد» (۱۳۸۷/۶/۱۹).
۴. «اگر عقل و خرد در تشخیص مصادیق عدالت به‌کار گرفته نشود، انسان به گمراهی و اشتباه دچار می‌شود» (۱۳۸۴/۶/۸).
۵. «به یک معنا عدالت هم از همان عقلانیت و نیز از معنویت برمی‌خیزد» (۱۳۹۰/۳/۱۴).
۶. «اگر عقلانیت در عدالت نباشد، گاهی اوقات عدالت به ضد خودش تبدیل می‌شود. در عدالت، عقلانیت شرط اول است» (۱۳۸۸/۶/۱۶).
۷. «بدون معنویت و بدون عقلانیت، عدالت تحقق پیدا نمی‌کند. ... اگر معنویت نشد، عدالت تبدیل می‌شود به ظاهرسازی و ریاکاری» (۱۳۸۷/۶/۲).
۸. «اگر عدالت از عقلانیت و معنویت جدا شد، دیگر عدالتی که شما دنبالش هستید نخواهد بود؛ اصلاً عدالت

		در اسلام، عقلانیت و عدالت و معنویت در هم تنیده‌اند ^۱	۷۴
خودانگیزی و اقتدار و مقاومت	خودانگیزی و خودباوری	تزریق روح اعتمادبه‌نفس و خودانگیزی در ملت از مظاهر عقلانیت است ^۲	۷۵
		اعتقاد به خودباوری و «ما می‌توانیم» از عقلانیت است ^۳	۷۶
	اقتدار ملی	اقتدار ملی بر مبنای عقلانیت و محاسبه درست و منطقی است ^۴	۷۷
	مقاومت	مقاومت مقابل دشمن عقلایی است ^۴	۷۸
تنظیم ارتباطات مادی	تنظیم ارتباطات مادی	عقل ارتباطات مادی زندگی دنیا را تنظیم می‌کند ^۵	۷۹

(منبع: یافته‌های پژوهش)

جدول ۲: شبکه مضامین عقلانیت در جوه سلیبی

از منظر امام خامنه‌ای داماد

نخواهد بود» (۱۳۸۴/۶/۸).

۱. «اگر بخواهیم عدالت به معنای حقیقی خودش در جامعه تحقق پیدا کند، با دو مفهوم دیگر به شدت در هم تنیده است: یکی مفهوم عقلانیت است؛ دیگر معنویت» (۱۳۸۴/۶/۸).
۲. «یک مظهر دیگر عقلانیت امام تزریق روح اعتمادبه‌نفس و خودانگیزی در ملت بود» (۱۳۹۰/۳/۱۴).
۳. «محاسبات جمهوری اسلامی از روز اول بر اساس منطق عقلانی و یک قوه عاقله‌ای بوده است. عناصری که این محاسبات را شکل می‌داده اینهاست: اول، اعتماد به خدا و سنن آفرینش؛ دوم، بی‌اعتمادی به دشمن و شناخت او... اعتماد به مردم و ایمان‌ها... اعتماد به خودباوری و اینکه ما می‌توانیم» (۱۳۹۳/۴/۱۶).
۴. «مبنای اقتدار در جمهوری اسلامی یک مبنای عقلانیتی است. ... محاسبه اقتدار ملی یک محاسبه عقلانی است؛ یعنی یک محاسبه درست و منطقی» (۱۳۹۹/۷/۲۱).
۵. «در یک سطح دیگر هم عقل آن چیزی است که ارتباطات مادی زندگی دنیا را تنظیم می‌کند» (۱۳۹۷/۳/۲۰).

ردیف	مضمون پایه	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
۱	دین با عقل ضدیت ندارد ^۱	عدم تقابل با دین و معنویت	عدم تقابل با دین و معنویت
۲	عقلانیت از شریعت جدا نیست ^۲		
۳	عقلانیت با معنویت تقابل ندارد ^۳		
۴	اسراف از عقلانیت نیست ^۴		
۵	عقل مختص محاسبات مادی نیست ^۵		
۶	منظور از عقل سیاست‌بازی و سیاسی‌کاری نیست ^۶	سیاسی‌کاری خلاف عقلانیت	عدم سیاسی‌کاری و سازش با دشمن
۷	عقلانیت به معنای ترس، انفعال و فرار از مقابل دشمن نیست ^۷	سازش نکردن و تسلیم نشدن در برابر منطق ظلم	
۸	عقلانیت مقابل سازش‌کاری با منطق ظلم و سلطه		

۱. «در اسلام ضدیت دین با علم و ضدیت دین با عقل، اصلاً معنا ندارد. در اسلام یکی از منابع حجت برای یافتن اصول و فروع دینی، عقل است» (۱۳۸۳/۷/۵).
۲. «در این نگاه به اسلام... شریعت و عقلانیت با یکدیگر ملاحظه می‌شوند. ... عقلانیت که آن هم خارج از شریعت البته نیست در جای خود؛ همه در کنار هم بایستی مورد استفاده قرار بگیرند. انحراف از این منظومه مستحکم موجب انحراف از نظام اسلامی خواهد بود» (۱۳۸۸/۷/۲).
۳. «توهم تقابل و تضاد میان عقلانی زیستن و توسعه یافتگی از یک طرف، و معنوی زیستن و اخلاقی زیستن از طرفی دیگر... ما می‌خواهیم و می‌توانیم هم عقلانی و منطقی و علمی و پیشرفته زندگی کنیم، هم درعین حال متمسک به ارزش‌های اخلاقی خودمان و پایبند به ایمان دینی خودمان» (۱۳۸۹/۱/۹).
۴. «عقلای عالم این کار را نمی‌کنند. این فقط سخن دین نیست. قرآن می‌فرماید: "ولا تسرفوا انه لا یحب المسرفین"» (۱۳۸۸/۱/۱).
۵. «عقل در ادبیات اسلامی فقط آن دستگاهی نیست که محاسبات مادی می‌کند برای ما» (۱۳۹۷/۳/۲۰).
۶. «عقل این سیاسی‌بازی‌ها و سیاسی‌کاری‌های متعارف نیست؛ اینها خلاف عقل است» (۱۳۸۸/۴/۲۹).
۷. «بعضی‌ها اسم عقل و عقلانیت را که می‌آورند، منظورشان از عقلانیت ترسیدن است. وقتی می‌گویند عاقل باشید، یعنی بترسید، یعنی منفعل باشید، یعنی از مقابل دشمن فرار کنید. نه. ترسوها حق ندارند اسم عقلانیت را بیاورند» (۱۳۹۹/۷/۲۱).

	و سلطه دشمن	است ^۱	
		عقلانیت به معنای تسلیم و هزیمت در برابر دشمن نیست ^۲	۹
		کوتاه آمدن مقابل دشمن عقلانیت نیست ^۳	۱۰
		سازش و عقب‌نشینی مقابل دشمن عقلانیت نیست ^۴	۱۱
	عدم عدول از اصول و ارزش‌ها	کم گذاشتن از مبانی و اصول انقلاب عقلانیت نیست ^۵	۱۲
		محافظه‌کاری عقلانیت نیست ^۶	۱۳
تقابل نداشتن با	و آرمان‌ها	عدول از اصول و ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب در برابر	۱۴

۱. «در طول این چند سال، همیشه یک عده به اصطلاح عقلا و مصلحت‌اندیش‌ها پیدا شدند و مصلحت‌اندیشانه و به اصطلاح عاقلانه، مردم را و مسئولین نظام را و رهبر عظیم‌الشان فقیدمان را نصیحت کردند که شما چرا بیخود با امریکا که یک قدرتی است در دنیا رزم‌آوری می‌کنید و مبارزه می‌کنید؟ ... درحالی‌که قضیه این نبود؛ قضیه این نیست» (۱۳۶۸/۶/۲۲).

۲. «عقلانیت به معنای تسلیم نیست؛ عقلانیت به معنای هزیمت نیست» (۱۳۸۷/۶/۱۹).

۳. «آن کسانی که خیال کردند و خیال می‌کنند عقل اقتضا می‌کند که انسان گاهی در مقابل دشمن کوتاه بیاید، امام درست نقطه مقابل این تصور حرکت کرد. عقلانیت امام و آن خرد پخته قوام‌یافته این مرد الهی، او را به این نتیجه رساند که در مقابل دشمن، کمترین انعطاف و کمترین عقب‌نشینی و کمترین نرمش، به پیشروی دشمن می‌انجامد» (۱۳۹۰/۳/۱۴). «آن عقلانیتی که در مکتب امام بزرگوار ما هست، اقتضا نمی‌کند که ما از خدعه دشمن غافل شویم، از کید او غافل شویم، از نقشه عمیق او غافل شویم، به او اعتماد کنیم، در مقابل او کوتاه بیاییم» (۱۳۹۰/۳/۱۴).

۴. «بعضی عقلانیت را در این می‌دانند و می‌گویند که چالش با قدرت‌ها هزینه دارد. [البته] اشتباه می‌کنند. بله، چالش هزینه دارد، اما سازش هم هزینه دارد. چالش اگر عقلایی باشد، ... هزینه‌اش به مراتب کمتر از هزینه سازش است» (۱۳۹۶/۳/۱۴).

۵. «بعضی‌ها با نام عقلانیت، با نام اعتدال، با نام پرهیز از جنجال و دردسر بین‌المللی، می‌خواهند از مبانی انقلاب و اصول انقلاب کم بگذارند» (۱۳۸۷/۶/۱۹).

۶. «عقلانیت با محافظه‌کاری فرق دارد. محاسبه عقلانی را با محاسبه محافظه‌کارانه به هیچ وجه مخلوط نکنید. اینها دو چیز است: ... محافظه‌کار طرف دار وضع موجود است. ... از تحول و دگرگونی می‌ترسد؛ اما عقلانیت این طور نیست. محاسبه عقلانی گاهی اوقات خودش منشأ تحولات عظیمی می‌شود» (۱۳۸۴/۶/۸).

اصول، ارزش‌ها و آرمان‌ها		دشمن انحراف، خیانت و خلاف عقلانیت است ^۱	
		بی‌تقوایی در مقابل دشمن خلاف عقلانیت است ^{۹۱}	۱۵
		کوتاه‌بینی خلاف عقلانیت است ^۲	۱۶
وابسته نبودن به دشمن	عدم نزدیکی و وابستگی به دشمن	ایجاد وابستگی به دشمن خیانت و خلاف عقل است ^{۹۱}	۱۷
		نزدیکی و وابستگی مجدد به دشمن پس از رهایی از سلطه آن، عقلانیت نیست ^۳	۱۸
عدم تقلید کورکورانه	تقلید کورکورانه نکردن	انفعال و تقلید و تصمیم کورکورانه عقلانیت نیست ^۴	۱۹
	مخالف	نظام شیطانی حاکم بر دنیا عقلایی نیست ^۵	۲۰
مخالف عقلانیت	عقلانیت ابزاری	تقلید از غرب عقلانیت نیست ^۶	۲۱
	حاکم بر غرب	در منطق عقل ابزاری، از خودگذشتگی بی‌منطقی است ^۷	۲۲

(منبع: یافته‌های پژوهش)

۱. «اگر کسی یا جریانی بخواهد به نام عقل‌گرایی، از ارزش‌های اسلامی و انقلابی عدول کند، این انحراف است. اگر کسی بخواهد به وسیله عقل‌گرایی، در مقابل دشمن بی‌تقوایی به خرج بدهد، وابستگی به وجود بی‌یاورد، این انحراف است؛ این خیانت است» (۱۳۹۰/۳/۱۴).
۲. «کوتاه‌بینی واقعاً بلای بزرگی است: انسان حال را ببیند، آینده را نبیند؛ چیزهای نقد را ببیند، چیزهای بلندمدت را نبیند. این آفت بزرگی است برای عقل انسان و سعادت انسان» (۱۳۶۸/۴/۲۵).
۳. «عقلانیت در این نیست که انسان خود را بعد از رها شدن از چنبره قدرت امریکا و استکبار، مجدداً نزدیک به آنها بکند. اینها عقلانیت نیست» (۱۳۹۶/۳/۱۴).
۴. «در هر حرکت اجتماعی، آن وقتی حرکت درست خواهد بود و به نتایج درست خواهد رسید که مبنی بر خرد و تأمل و تشخیص و مصلحت و مبتنی بر پایه‌های درست و عقلانی باشد. ... اگر حرکت، حرکتی از روی انفعال و تقلید و تصمیم کورکورانه و چشم‌پسته باشد، حتماً مضر خواهد بود» (۱۳۷۶/۷/۳۰).
۵. «ما نظام شیطانی موجود در دنیا را با ارائه یک نظام صحیح که منطبق بر عقل و بر خواست انسان‌هاست تخطئه می‌کنیم» (۱۳۸۳/۶/۳۱).
۶. «یکی از چیزهایی که قرآن و هدایت الهی به ما تعلیم داده است، تبعیت از داوری خرد و عقل انسانی است. این هم قرآنی است؛ یعنی پیروی از آنچه که عقل سلیم به آن حکم کند. ... یک امر قرآنی است؛ این هم امر دینی است. اینها شد معیار. آنچه که بندگان برگزیده خدا، معصومین عندالله، به ما یاد دادند، این می‌شود معیار؛ معیار اینهاست. اینکه حالا مردم کشورهای غربی، مردم مادی، ... این جور عمل می‌کنند، ما هم باید این جور عمل کنیم، این خطاست» (۱۳۹۲/۴/۱۹).
۷. «در منطق عقل ابزاری، از خودگذشتگی یک امر بی‌منطقی است» (۱۳۸۹/۹/۱۰).

در جدول ۳ مضامین فراگیر بر اساس مفهوم و مصداق عقلانیت از منظر امام خامنه‌ای علیه السلام به تفکیک مشاهده می‌شود:

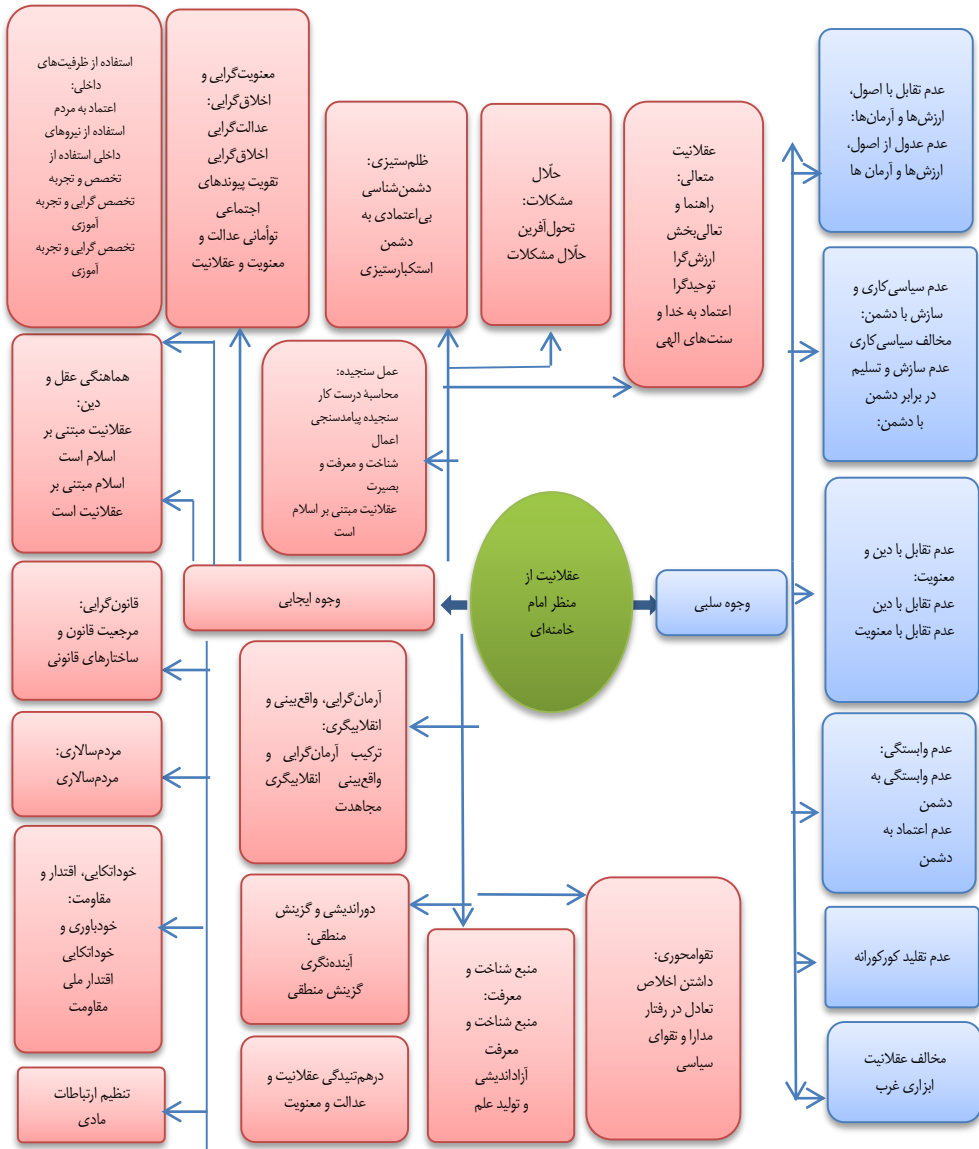
جدول ۳: تفکیک مضامین فراگیر مرتبط با مفهوم و مصداق عقلانیت از منظر امام خامنه‌ای علیه السلام

مفهوم عقلانیت از منظر امام خامنه‌ای <small>علیه السلام</small>	مصداق عقلانیت از منظر امام خامنه‌ای <small>علیه السلام</small>
عمل سنجیده	ظلم‌ستیزی
مبتنی بر عقلانیت اسلامی	آرمان‌گرایی، واقع‌بینی و انقلابیگری
مبتنی بر عقلانیت متعالی	استفاده از ظرفیت‌های داخلی
حلال مشکلات	قانون‌گرایی
درهم‌تنیدگی عقلانیت، عدالت و معنویت	مردم‌سالاری
تقوادمحور	دوران‌دیشی و گزینش منطقی
منبع شناخت و معرفت	خوداتکایی، اقتدار و مقاومت
عدم تقابل با دین و معنویت	عدم وابستگی
عدم سیاسی‌کاری و سازش با دشمن	تنظیم ارتباطات مادی
عدم تقابل با اصول، ارزش‌ها و آرمان‌ها	عدم سیاسی‌کاری و سازش با دشمن
	عدم تقلید کورکورانه
	مخالفت با عقلانیت ابزاری غرب

(منبع: یافته‌های پژوهش)

بر اساس داده‌های جدول ۱ و ۲ در شبکه مضامین در وجوه ایجابی ۷۹ مضمون پایه‌ای، ۳۹ مضمون سازمان‌دهنده و ۱۶ مضمون فراگیر و در وجوه سلبی ۲۲ مضمون پایه‌ای، ۸ مضمون سازمان‌دهنده و ۶ مضمون فراگیر استخراج، و بر اساس این شبکه مضامین، الگوی عقلانیت از منظر امام خامنه‌ای طراحی شد (نمودار ۱).

نمودار ۱: الگوی مفهوم و مصادیق عقلانیت از منظر امام خامنه‌ای داماد در وجوه ایجابی و سلبی



(منبع: یافته‌های پژوهش)

در ادامه، هریک از مضمون‌های فراگیر الگوی عقلانیت از منظر امام خامنه‌ای داماد در وجوه ایجابی و سلبی، جداگانه بررسی، و با توجه به مضمون‌های پایه و همچنین نقل قول‌های مهم تبیین شده است.

وجوه ایجابی

عمل سنجیده: تحلیل مضمون بیانات امام خامنه‌ای علیه السلام نشان می‌دهد که عقلانیت از منظر ایشان، به مفهوم بصیرت، شناخت و معرفت، مطالعه و محاسبه درست و منطقی، کار سنجیده و ملاحظه پیامدهای رفتار و گفتار است. به اعتقاد ایشان، عقلانیت عبارت از تدبیر و اندیشه، درست فهمیدن و تحلیل درست مسائل و تشخیص مصلحت است.

منبع شناخت و معرفت: از منظر امام خامنه‌ای علیه السلام، عقل حجت درونی انسان و یکی از منابع شناخت و معرفت در اسلام است و تعقل زمینه‌ساز آزاداندیشی و تولید علم است. ایشان همواره بسترسازی برای تعقل، تفکر و آزاداندیشی را توصیه کردند؛ چنان‌که فرمودند: «ما بایستی جامعه را به سمت یک جامعه متفکر حرکت دهیم. ... ما باید جوشیدن فکر و اندیشه‌ورزی را در جامعه خودمان به یک حقیقت نمایان و واضح تبدیل کنیم».

عقلانیت متعالی: از منظر امام خامنه‌ای علیه السلام، عقلانیت تعالی بخش است و تعقل و تفکر انسان را به راه راست، ارزش‌های الهی، توحید، عبودیت، بصیرت و حقیقت سوق می‌دهد. ایشان معتقدند عقلانیت از ثمرهای اسلام است و باید تحت تصرف و تربیت شرع باشد، نه در اختیار هوا و هوس و امیال نفسانی انسان‌ها. در واقع اساس و مبنای عقل از منظر امام خامنه‌ای علیه السلام، عقلی متعالی است که انسان را به سعادت در دنیا و آخرت سوق می‌دهد. از دیدگاه ایشان، اعتقاد و اتکا به خدا و سنت‌های الهی ناشی از عقلانیت متعالی است.

هماهنگی عقل و دین: از منظر امام خامنه‌ای علیه السلام، اصل تعقل یکی از اصول اساسی اسلام است و پیروی از عقل سلیم یک امر قرآنی و دینی است و باید مبتنی بر معیارهای دینی و قرآنی باشد. ایشان معتقدند بعثت نبی اکرم صلی الله علیه و آله دعوت به عرصه تربیت عقلانی و اخلاقی و قانونی است و سرتاسر قرآن و تعالیم پیامبر دعوت به عقل و خرد و تأمل و تدبیر و تفکر است؛ چنان‌که فرمودند: «بینید در قرآن چقدر "لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ"، "لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ"، "أَفَلَا يَعْقِلُونَ"، "أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ" داریم». از منظر ایشان، عقلانیت متعالی مبتنی بر اسلام است و پایبندی به قرآن، مایه به‌کار افتادن علم و عقل است.

معنویت‌گرایی و اخلاق‌گرایی: امام خامنه‌ای علیه السلام به دنبال امتزاج عقل‌گرایی و اخلاق‌گرایی هستند و معتقدند عقلانیت باید مبتنی بر معنویت و اخلاق باشد و لذا معتقدند

عقل احتیاج به تربیت معنوی و اخلاقی دارد و نباید تحت تأثیر هوا و هوس باشد. ایشان فرمودند در اسلام، عقلانیت و عدالت و معنویت در هم تنیده‌اند. عقلانیت شرط اول در عدالت است و بدون معنویت و عقلانیت، عدالت تحقق نمی‌یابد. ایشان برای عقلانیت جایگاه و نقش برجسته و ممتازی قائل‌اند؛ به طوری که معتقدند اگر عقلانیت در کنار سایر عوامل حضور نداشته باشد، آنها نیز به انحراف کشیده می‌شوند. به عبارت دیگر، عقلانیت مورد نظر امام خامنه‌ای (علیه السلام) جدا از معنویت و عدالت نیست. ایشان بر اساس مبانی دینی و اعتقادی خویش، بر عقلانیت و خردورزی به عنوان مهم‌ترین بن‌مایه سبک زندگی در تمدن نوین اسلامی تأکید دارند و معتقدند اسلام انقلاب اسلام معنویت، عقلانیت و عدالت است.

تقوای محوری: امام خامنه‌ای (علیه السلام) داشتن اخلاص و تقوا، تعادل در رفتار و پرهیز از افراط و تفریط و نیز مدارا با دیگران را نشانه عقلانیت می‌دانند و معتقدند عقل و تقوا باید رفتار انسان را هدایت کند، نه شهوت و غضب و خودخواهی‌ها.

قانون‌گرایی: امام خامنه‌ای (علیه السلام) مرجعیت قانون و ساختارهای قانونی را از عقلانیت می‌دانند و معتقدند ایجاد زیرساخت‌های قانونی برای نظام از لحاظ حقوقی، سیاسی، اجتماعی و علمی زمینه‌ساز قانون‌گرایی و از مظاهر عقلانیت است.

مردم‌سالاری: از منظر امام خامنه‌ای (علیه السلام)، ایجاد نظام مردم‌سالاری برای نظام سیاسی کشور و تکیه به مشارکت و آرای مردم و آنها را صاحب و مالک اصلی کشور دانستن از مظاهر عقلانیت است.

ظلم‌ستیزی: امام خامنه‌ای (علیه السلام) دشمن‌شناسی و بی‌اعتمادی به دشمن را ناشی از عقلانیت می‌دانند و معتقدند ظلم‌ستیزی و سرسختی در مقابله با دشمن مهاجم، منطقی است و هزینه چالش عقلایی با استکبار، کمتر از هزینه سازش است.

آرمان‌گرایی، واقع‌بینی و انقلابی‌گری: یکی از راهبردهای افراد و جریان‌های سیاسی داخلی و خارجی، مطرح کردن مفهوم عقلانیت در برابر پدیده انقلابی‌گری و مقاومت و ایستادگی در برابر دشمن است تا بدین وسیله بتوانند مثنی انقلابی‌گری مد نظر امام خمینی (علیه السلام) و رهبر انقلاب را شیوه‌ای ضدعقلانی و غیرواقع‌بینانه معرفی کنند و اصول و روش خود را که همان

منطق‌سازش است، عملی عقلانی جلوه دهند که این قیاس و چیدمان مفهومی، از اساس غلط یا کاملاً مغرضانه یا از روی بی‌اطلاعی است. امام خامنه‌ای علیه السلام تخطئه آرمان‌گرایی و مساوی دانستن آن با عدم عقلانیت را یکی دیگر از تحریف‌های اجزای قدرت نرم نظام اسلامی دانستند و فرمودند آرمان‌گرایی عین عقلانیت است؛ زیرا اگر ملتی بدون آرمان شود، همانند وضعیت امروز جوامع غربی از درون تهی و پوچ خواهد شد. ایشان عقلانیت را به معنای واقع‌بینی، توجه به مقتضیات زمان و مکان و محاسبه درست و منطقی دانستند و فرمودند ترکیب آرمان‌گرایی با واقع‌بینی ترکیب مجاهدت با تدبیر است و مشاهده واقعیات جامعه و جهان، با آرمان‌گرایی هیچ‌گونه تعارضی ندارد و تحولات جمهوری اسلامی بر اساس نگاه عقلانی به واقعیت‌های دنیاست. امام خامنه‌ای علیه السلام در پاسخ به کسانی که مدعی اند انقلابی بودن با عقلانیت منافات دارد فرمودند انقلابیگری در مقابل عقلانیت نیست و عقلانیت واقعی در انقلابیگری است و عقلانیت مجاهدت و سخت‌کوشی و استفاده از ظرفیت‌ها برای رسیدن به آرمان‌هاست. عقلانیت انقلابی از دیدگاه ایشان، به معنای به حاشیه راندن عقلانیت غربی و به میدان آوردن عقلانیت اسلامی با توجه به مقتضیات زمان و مکان است.

حلال مشکلات: یافته‌ها نشان می‌دهد امام خامنه‌ای علیه السلام کاربرد بسیار وسیعی برای عقل در فهم و تشخیص اهداف و ابزارها قائل هستند و نگاه درست و عاقلانه به مسائل و به‌کارگیری اندیشه و خرد را حلال مشکلات می‌دانند و معتقدند محاسبه عقلانی منشأ تحولات عظیم است.

استفاده از ظرفیت‌های داخلی: از منظر امام خامنه‌ای علیه السلام، اعتماد و تکیه به مردم، بهره‌گیری از علم و تخصص و تجربه آنها و استفاده از فرصت‌ها و ظرفیت‌های داخلی از عقلانیت است. ایشان معتقدند مقاومت مقابل دشمن عقلایی است و در همین راستا معتقدند با تکیه به توانمندی‌های داخلی و اجرای مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی، یک اقتصادی را به‌وجود بیاوریم که در مقابل بحران‌های بین‌المللی مقاوم باشد و آسیب نیند.

خوداتکایی و اقتدار و مقاومت: از منظر امام خامنه‌ای علیه السلام خودباوری، خوداتکایی، اعتقاد به «ما می‌توانیم» و تزریق روح اعتمادبه‌نفس در ملت از مظاهر عقلانیت است. ایشان

معتقدند عقل قادر است ارتباطات مادی را تنظیم کند و اقتدار ملی بر مبنای عقلانیت و محاسبه درست و منطقی حاصل می‌شود، و در همین راستا، پیشرفت‌های علمی نخبگان کشور را عقلانیت علمی نامیدند.

دوران‌دیشی و گزینش منطقی: امام خامنه‌ای (علیه السلام) کوله بینی را خلاف عقلانیت و آینده‌نگری و دوران‌دیشی را در راستای عقلانیت می‌شمارند و بر همین اساس، ایجاد زمینه برای تشکیل تمدن نوین اسلامی را عقلایی می‌دانند. لذا می‌فرمایند عقلانیت باید بر تمام ارکان این نظام حاکم باشد و براین اساس، وظایفی را برای دولت اسلامی ذکر کردند که عبارت‌اند از گسترش علم و دانایی، آزاداندیشی، مبارزه با فساد، تأمین عزت ملی و به تعبیر رایج، غرور ملی و مبارزه عاقلانه، حرفه‌ای و شجاعانه با ابعاد مختلف نظام سلطه جهانی، خدمت‌رسانی محسوس به مردم، تحول در شیوه‌های خدمت‌رسانی و پاسخ‌گویی، کار متوازن و هماهنگ و ساده‌زیستی. ایشان فکر، عقل، تدبیر و حکمت را لازمه پیشرفت در این میدان‌ها می‌دانند.

تنظیم ارتباطات مادی: امام خامنه‌ای (علیه السلام) معتقدند عقل ارتباطات مادی زندگی دنیا را تنظیم می‌کند.

وجوه سلبی

عدم سیاسی‌کاری و سازش با دشمن: امام خامنه‌ای (علیه السلام) معتقدند منظور از عقل، سیاست‌بازی و سیاسی‌کاری نیست. عقلانیت به معنای ترس، انفعال، تسلیم و هزیمت در برابر دشمن نیست. عقلانیت در مقابل سازش‌کاری با منطق ظلم و سلطه است. کوتاه آمدن مقابل دشمن و سازش و عقب‌نشینی در مقابل دشمن عقلانیت نیست.

عدم تقابل با ارزش‌ها و آرمان‌ها: امام خامنه‌ای (علیه السلام) عدول از اصول، ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب در برابر دشمن را انحراف، خیانت و خلاف عقلانیت می‌دانند و معتقدند عقلانیت به مفهوم کوتاه آمدن از اصول و مبانی انقلاب نیست. ایشان بی‌تقوایی در مقابل دشمن را خلاف عقلانیت می‌دانند و معتقدند عاقل بودن و خرد را به کار گرفتن با محافظه‌کاری فرق دارد.

عدم تقابل با دین و معنویت: از منظر امام خامنه‌ای علیه السلام، عقلانیت از دین و شریعت و معنویت و عدالت جدا نیست و عقل نیز با دین و معنویت تقابل و تعارض ندارد و عقل مختص محاسبات مادی نیست، بلکه عقل سلیم آخرت‌گرا نیز هست.

عدم وابستگی به دشمن: امام خامنه‌ای علیه السلام ایجاد وابستگی به دشمن را خیانت و خلاف عقل می‌دانند و معتقدند وابستگی مجدد به استکبار پس از رهایی از سلطه آن، عقلانیت نیست.

عدم تقلید کورکورانه: ایشان تقلید و تصمیم کورکورانه را خلاف عقلانیت می‌دانند و معتقدند تصمیمات باید مبتنی بر تشخیص درست، مصلحت و عقلانیت باشد، نه از روی انفعال و تقلید کورکورانه از دیگران.

مخالف عقلانیت غربی: امام خامنه‌ای علیه السلام با عقلانیت مادی و ابزاری حاکم بر غرب مخالف اند و در راستای تخطئه عقلانیت ابزاری و منفعت طلب حاکم بر تمدن غرب فرمودند اسلام دین تمدن و علم و آبادانی است، اما علمی را که وسیله کشتار ملت‌ها و تمدنی را که دستاویز تحقیر انسان‌ها باشد جهل و وحشیگری می‌شمرد. باید عقلانیت مبتنی بر معنویت و اخلاق بر جوامع انسانی حاکم باشد، درحالی که در منطق عقل ابزاری غرب، ایثار و از خودگذشتگی امر بی‌منطقی است. ایشان به‌صراحت فرمودند نظام شیطانی حاکم بر دنیا عقلایی نیست.

نتیجه‌گیری

هدف از این تحقیق، تبیین مفهوم عقلانیت اسلامی و نیز تبیین مفهوم و مصادیق عقلانیت در وجوه ایجابی و سلبی از منظر امام خامنه‌ای علیه السلام بود.

در راستای پاسخ به پرسش اول تحقیق مبنی بر مفهوم عقلانیت اسلامی، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که عقلانیت به مفهوم عقل سلیم در فرهنگ اسلامی حوزه وسیعی دارد و در سه سطح (۱) عقلانیت بنیادین یا معرفتی، (۲) عقلانیت اخلاقی و ارزشی و (۳) عقلانیت ابزاری مطرح است و عقلانیت ابزاری ذیل دو سطح دیگر از عقلانیت قرار می‌گیرد و هنگامی کاربرد دارد که با سطوح دیگر عقلانیت همخوانی داشته باشد. عقلانیت اسلامی

عقلانیتی توحیدی و معنوی و تعالی محور است و جهت حرکتش به سمت خداست. عقل در نگاه اسلام ذیل راهنمایی و هدایت آموزه‌های دینی و ارزش‌های اخلاقی معنا می‌یابد و می‌تواند مهار و کنترل دیگر قوا را در اختیار بگیرد. این نتایج با نتایج تحقیق غلامی (۱۳۹۸)، فرزانه و همکاران (۱۳۹۷) و اسماعیلی و عباسی فیروزجاه (۱۳۹۵) همخوانی دارد. نتایج این تحقیقات در قسمت پیشینه تحقیق بیان شد.

در راستای پاسخ به پرسش دوم تحقیق مبنی بر مفهوم و مصادیق عقلانیت از منظر امام خامنه‌ای علیه السلام، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد عقلانیت از دیدگاه ایشان، به مفهوم عقلانیت متعالی و توحید محور اسلامی است، نه به مفهوم عقلانیت ابزاری خودبنیاد غربی.

امام خامنه‌ای علیه السلام عقلانیت را از ثمرهای اسلام می‌داند و با تأکید بر پیوند میان عقلانیت با عقل کلی الهی و حقایق و حیاتی، مفهوم عقلانیت دینی را تبیین می‌کنند و عقلانیتی را مورد تأکید و توجه قرار می‌دهند که تحت تصرف و تربیت شرع باشد نه در اختیار هوا و هوس و امیال نفسانی. از منظر امام خامنه‌ای علیه السلام، عقل تربیت شده در مکتب اسلام توحید محور و تعالی بخش است، کارکرد مثبت دارد، هدایتگر و نجات بخش است، انسان را به مقام قُرب الهی می‌رساند، جدا از معنویت و عدالت نیست و در عین حال قادر به تنظیم محاسبات و ارتباطات مادی زندگی دنیوی است. در واقع اساس و مبنای عقل از منظر امام خامنه‌ای علیه السلام، عقلی متعالی است که انسان را به سبک زندگی اسلامی و سعادت در دنیا و آخرت سوق می‌دهد.

با عنایت به یافته‌های تحقیق، عقلانیت از منظر امام خامنه‌ای علیه السلام در وجوه ایجابی، مبتنی بر تعالیم اسلامی، انقلابی، عدالت، معنویت، بصیرت و دشمن شناسی، ارزش‌های انسانی و اخلاقی است و این عقلانیت به کار سنجیده، به کار گرفتن خرد و تدبیر و فکر و محاسبات درست، موقع شناسی و توجه به مقتضیات زمان و مکان، درک و فهم و تحلیل درست مسائل، آینده‌نگری و ملاحظه آثار و تبعات یک اقدام می‌انجامد. این عقلانیت مبتنی بر آرمان‌گرایی و واقع بینی است و دفاع از ارزش‌های اسلامی و انقلابی، دشمن شناسی و بی‌اعتمادی به دشمن جزو الزامات این عقلانیت است.

در وجوه سلبی نیز از منظر امام خامنه‌ای علیه السلام، عقلانیت با دین و معنویت، اصول،

ارزش‌ها و آرمان‌ها تقابل ندارد. عقلانیت به مفهوم محافظه‌کاری، سیاسی‌کاری یا سازش و ترس و انفعال در مقابل دشمن و عقب‌نشینی از ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب نیست و تقلید کورکورانه، ایجاد وابستگی و اعتماد به دشمن خلاف عقلانیت است. نتایج تحقیق حاکی است که عقلانیت مورد نظر امام خامنه‌ای علیه‌السلام عقلانیت متعالی و توحیدمحور اسلامی است و این عقلانیت مبتنی بر اخلاق، معنویت، آرمان‌گرایی و واقع‌بینی است.

کتابنامه

- آرشیو موضوعی بیانات رهبر در پایگاه اطلاع‌رسانی رهبر انقلاب:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-topic>
- اسماعیلی، محمد مهدی و میثم عباسی فیروزجاه (۱۳۹۵). «عقلانیت انقلاب اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای»، مطالعات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، دوره جدید، س ۲، ش ۲، پاییز و زمستان، ص ۵۳-۷۰.
- اکبری، مرتضی و فریدون رضایی (۱۳۹۴). «واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری علیه‌السلام»، الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی، دوره سوم، ش ۵، بهار و تابستان، ص ۸۵-۱۰۹.
- الوانی، سیدمهدی (۱۳۸۹). تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی، تهران، دانشگاه پیام نور.
- الوانی، سیدمهدی و حسن دانایی‌فرد (۱۳۸۰). گفتارهایی در فلسفه‌تئوری‌های سازمان دولتی، تهران، نشر صفار.
- بی‌نام (۱۳۸۷). «عقلانیت اسلامی در چالش با عقلانیت ابزاری مدرن»، پایگاه بصیرت، ۱۷ مهر.
- خنیفر، حسین و ناهید مسلمی (۱۳۹۷). اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی، تهران، انتشارات نگاه دانش، ج ۱.
- دنه‌ارت، رابرت (۱۳۸۰). تئوری‌های سازمان دولتی، ترجمه سیدمهدی الوانی و حسن دانایی‌فرد، تهران، نشر صفار.
- رحیم‌پور ازغدی، حسن (۱۳۸۷). عقلانیت؛ بحثی در مبانی جامعه‌شناسی توسعه، تهران، انتشارات طرح فردا.
- رهبر، عباس‌علی (۱۳۹۹). «عقلانیت تعالی محور در مقابل عقلانیت خودبنیاد»، سایت farsi.khamenei.ir، ۱۹/۸/۱۳۹۹.

عقلانیت سیاسی-اجتماعی از دیدگاه امام خامنه‌ای (علیه السلام) - عطیه بحرانی (۱۰۸-۷۲) / ۱۰۷

زمانی محبوب، حبیب (۱۳۹۶). «مؤلفه‌ها و شاخص‌های تمدن اسلامی»، همایش بین‌المللی بازخوانی تمدن اسلامی و جهان شهر معنوی با تاکید بر شهر مقدس مشهد مشهد، جامعه المصطفی العالمیه.

سعیدی، مهدی (۱۳۹۸). «حکومت اسلامی و آرمان عدالت»، سایت بصیرت، ۱۳۹۸/۴/۷.
طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۳ و ۱۴.
عابدی جعفری، حسن و دیگران (۱۳۹۰). «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، اندیشه مدیریت راهبردی، س ۵، ش ۲، شماره پیاپی ۲۱.

غلامی، رضا (۱۳۹۵). «توصیفی نو از عقلانیت اسلامی و نقش آن در شکل‌گیری تمدن نوین»، خبرگزاری مهر، ۱۳۹۵/۹/۲۱.

_____ (۱۳۹۸). نظام عقلانیت سیاسی اسلام و جایگاه آن در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، قم، انتشارات آفتاب توسعه.

_____ (۱۳۹۷). «مؤلفه‌های عقلانیت حاکم بر تمدن نوین اسلامی»، خبرگزاری مهر، ۱۳۹۷/۶/۱۴.

فرزانه، محمدباقر و همکاران (۱۳۹۷). «تبیین عوامل ایجاد تمدن نوین اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری»، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، س ۲۵، ش ۳ (پیاپی ۱۱۸)، پاییز و زمستان، ص ۱۷۷-۲۰۵.

فروتنی، زهرا (۱۳۸۷). مبانی تصمیم‌گیری استراتژیک امام خمینی (علیه السلام)، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

فروتنی، زهرا و عطیه بحرانی (۱۳۸۷). «مدخلی بر تئوری هنجاری در مدیریت»، پیک نور، س ۶، ش ۱، بهار، ص ۵۲-۶۸.

کوشکی، محمدصادق (۱۳۹۶). «انقلاب اسلامی انحصار مفهوم عقلانیت را به چالش کشید»، خبرگزاری مهر، ۱۳۹۶/۵/۱۱.

لاجوردی، سیدشهاب و مسعود معینی‌پور (۱۳۹۹). «جایگاه عقلانیت در شکل‌گیری مراحل رسیدن به تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امام خمینی (علیه السلام) و آیت‌الله خامنه‌ای (علیه السلام)»، سیاست متعالیه، س ۸، ش ۲۸، بهار، ص ۵۳-۷۰.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۹). چکیده‌ای از اندیشه‌های بنیادین اسلامی، به نقل از: پایگاه اطلاع‌رسانی آثار آیت‌الله مصباح یزدی.

موسوی‌نیا، سیدمهدی (۱۳۹۹). «عقلانیت انقلابی»، قابل بازیابی در:

<https://farsi.khamenei.ir/>، ۱۳۹۹/۸/۱۸.

ملکی، حسن و یاسر ملکی (۱۳۹۲). «تعامل اخلاق، معنویت و عقلانیت در تمدن نوین اسلامی»، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، دوره هفدهم، ش ۵۷، زمستان، ص ۵۹۳-۶۱۶.

نجفی، موسی و رضا غلامی (۱۳۹۷). «انقلاب اسلامی و نقش محوری آن در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی با تأکید بر دکترین امامت»، مطالعات انقلاب اسلامی، س ۱۵، ش ۵۵، زمستان، ص ۱۲۱-۱۴۰.

بی‌نام (۱۳۸۸). تمدن اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی علیه السلام، نمایندگی ولی فقیه در نیروی دریایی سپاه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.